

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۱۴۰

جلسه

۱۷۵

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه يك شنبه ۱۲

آذر ماه ۱۳۰۶

مطابق ۹ جمادی الثانی

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

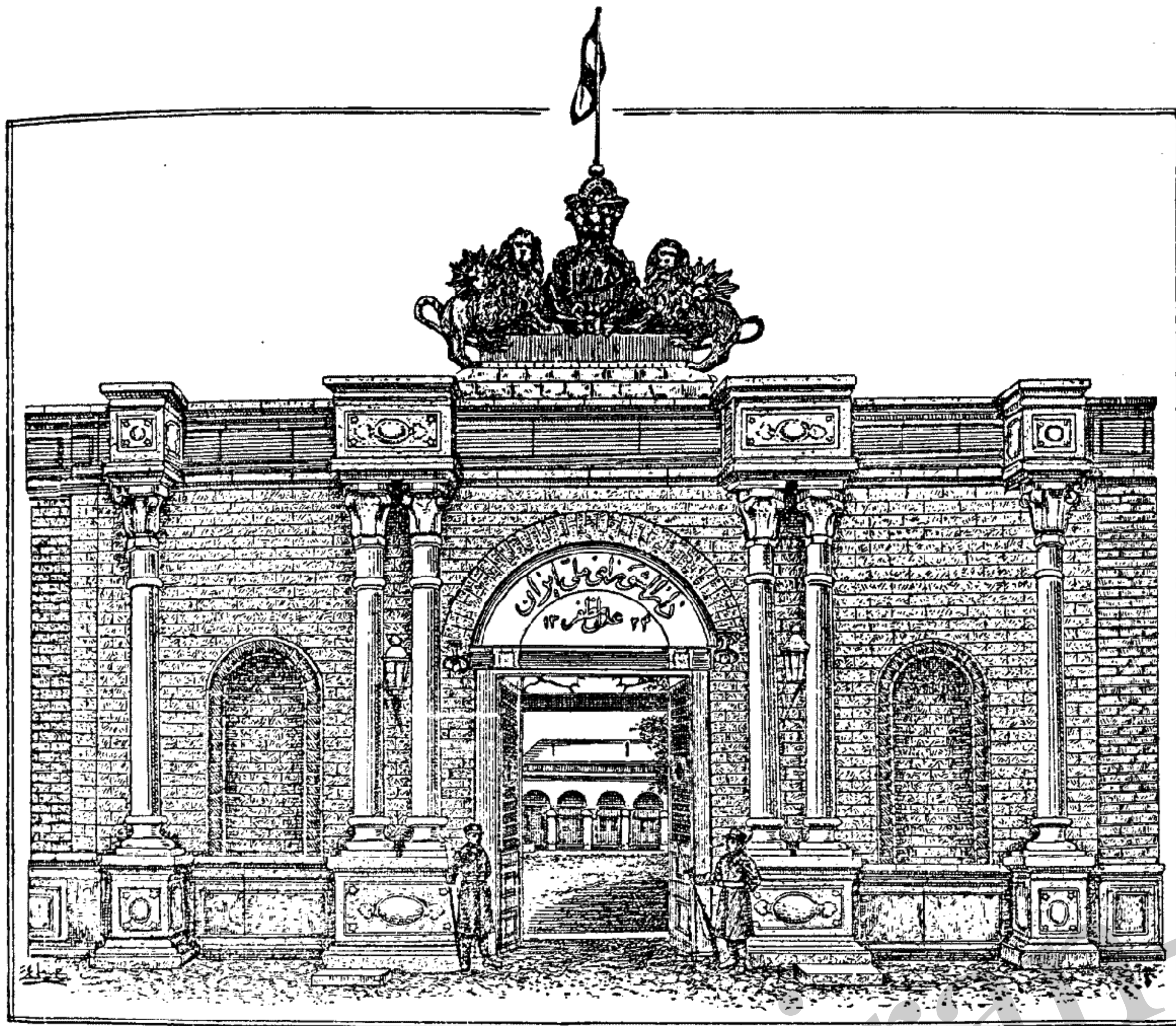
داخله ایران سالبانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمه تك شماره

يك قران

فهرست مندرجات



نمبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تقديم لایحه قانونی مجازات مختلسین اموال دولتی بقید دو فوریت از طرف آقای وزیر عدلیه و تصویب فوریت آن و مذاکره در اطراف لایحه مزبوره	۲۸۲۹	۲۸۵۵

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۹ جمادی الثاني ۱۳۴۶

جلسه ۱۷۵

غائبین با اجازه جلسه سه شنبه ۷ آذر
 آقایان: حاج میرزا علی اکبر امین - شیروانی
 امام جمعه شیراز - داشقی - دولتشاهی - مخبرفهمند -
 محمود رضا - نجومی

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس روز پنجشنبه هم
 آذرا آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه

آقایان: اسدی - مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - اعظمی - نظام مافی - زارع - افسر حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسن خان وثوق حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: حاج شیخ بیات - اسفندیاری - عصر انقلاب امیر حسینخان - عراقی - جلالی - بهار

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: شریعت زاده - قوام شیرازی - آشتیانی میرزا ابراهیم آشتیانی

غائبین با اجازه جلسه پنجشنبه هم آذر

آقایان: حاج علی اکبر امین - اعتبار - اسفندیاری امام جمعه شیراز - خطیبی - دشتی - شیروانی - مخبر فرمند - جهانشاهی - سلطان محمد خان - محمود رضا

غائبین بی اجازه

آقایان: زارع - اسدی - مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - اعظمی - دولتشاهی - نظام مافی - افسر - حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: ایلخان - ملک مدنی - دادگر - دهستانی قوام شیرازی - حاج شیخ بیات - عصر انقلاب - طباطبائی وکیلی - میرزا یوسف خان عدل - افخمی

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: محقق شیرازی - شریعت زاده - پالیزی مهدوی - عباس میرزا - آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا

رئیس - صورت مجلس ایزادی دارد یا نه

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر عدلیه - یکی از نمایندگان محترم سؤالی از

وزارت عدلیه راجع بمختلسین کرده بودند البته خود آقایان نمایندگان محترم تصدیق دارند که برای رسیدن بیک مقصودی باید مقدمات و وسائل آن را تهیه نمایند از برای اینکه مختلسین بالاخره تعقیب و مجازات شود یکی از شرایط اولیه اش البته قانون است. در این جا بنده نمیدانم چه شده است که قانون مجازات عمومی (در مبحث سوم که راجع باختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین است) با یک ملایمت فوق العاده نسبت به مختلسین عمل کرده است...

کارروئی - نسبت بتمام سارقین همینطور است.

وزیر عدلیه - مختلسین اموال دولت وقتی که تعقیب بشوند و تمام مراحل قانون طی بشود تازه منتهی درجه مجازات که با آنها داده میشود عبارت است از ده سال انفصال از خدمت دولت. این یک ماده است. در قانون مجازات عمومی...

عده از نمایندگان - پنجاه هزار تومان میبرد - ده سال از خدمت محروم میشود!!...

وزیر عدلیه - و بالاخره از یک طرف بطوری که خاطر نمایندگان محترم هست ماده بود (ماده ۲۷۹) که بموجب آن ماده اشکال ذات اشخاصی را که قبل از قانون مجازات عمومی مرتکب اختلاس شده اند تعقیب کرد برای جلوگیری از این قضیه قبلاً بنده آمدم و از مجلس شورای ملی تمنا کردم مجلس هم موافقت فرمود و یک تفسیری از آن ماده کرد که دیگر اشتباهی باقی نمانده است ولیکن قبل از آنکه آن تفسیر از مجلس بگذرد و قبل از انحلال عدلیه راجع به مختلسین که مخصوصاً طرف توجه آقایان و افکار عامه است مستنطق قرار منع تعقیب صادر کرده است. پس از آنکه آن تفسیر گذشت بنده دستور دادم که مدعی العموم مجدداً آن قضیه را تعقیب کند تعقیب هم کرد ولی مستنطق بعنوان اینکه چون سابقاً این قضیه تعقیب شده و یک رایی داده شده است اظهار کرد که دیگر نمیشود در آن

موضوع من تجدید نظر بکنم و برای سابق خودش باقی ماند (یعنی بان قرار منع تعقیب) و در محکمه استیناف هم حق را مستنطق دادند که چون در محکمه سابق یک رایی و یک قرار داده شده است و قرار مستنطق هم بمنزله قرار یک قاضی است نمیشود آن را تجدید نظر کرد و موعدهش هم گذشته است این مسئله هم البته از نقطه نظر ظاهر امر خیلی زننده است ولیکن یک مسئله هست که از نقطه نظر حقوقی نظری است و خیلی هم طرفدار دارد برای اینکه لازم بود یک راه حلی پیدا بشود که ما بتوانیم اشخاص را که قبلاً (یعنی قبل از آن تفسیر) قرار منع تعقیب شان داده شده است تعقیب کنیم. برای رسیدن بان مقصود دو ماده پیشنهاد شده است که قرائت میکنم و آقایان ملاحظه خواهند فرمود که از یک طرف یک مجازات برای مختلسین معین شده است که واقعاً مجازات باشد از دو سال تا ده سال حبس مجرد (یعنی درجه اول حبسهای جزائی) از طرف دیگر هم در این جا تصریح شده است درباره اشخاصی که مشمول مرور زمان (یعنی مرور زمان ده سال) نشده اند اعم از اینکه نسبت با آنها با ماده ۲۷۹ قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد بتوانند آنها را تعقیب کنند یک قسمت دیگری هم هست راجع باحاله دعوی از یک محکمه بمحکمه دیگر. مطابق اصول محاکمات جزائی وقتی که یک جرمی در یک محلی اتفاق افتاد قاضی همان محل باید رسیدگی کند ولی این اجازه را قانون داده است که در یک مواردی و بطور کلی وقتی وزارت عدلیه لازم بداند از یک نقطه نظرهایی وقتی یک جرمی در یک محلی واقع شده است (بیک مناسبت های محلی با واسطه یک مشکلاتی) در یک جای دیگر رسیدگی شود اینجا تقاضا شده است که وزیر عدلیه توسط مدعی العموم دیوان عالی تمیز از دیوان عالی تمیز با آن دلائلی که دارد تقاضای احاله نماید. و از برای این مختلسین هم ما یک گری کردیم بدینم که اگر این مواد بقدری روشن تر نشده باشد اشکال بر

خواهیم خورد این بود که این دو ماده تهیه و تقدیم شد و عرض میکنم که اسباب کار وزارت عدلیه از برای اینکه بتواند مختلسین را تعقیب کند این است که بان مواد رای داده شود. و اینها هم یک عده زیادی هستند قریب ۶۰ نفر صورت داده شده است و در تحت تعقیب اند و چند نفرشان از نقطه نظر اینکه سابقاً قرار منع تعقیب نسبت با آنها صادر شده است الان دارند راست راست راه میروند توی خیابانها و آقایان هم ممکن است این جا اظهار تاسف بکنند (صحیح است) و بنده از آقایان نمایندگان تمنا میکنم که این دو ماده که در اساس گمان نمیکنم هیچ اختلافی باشد و گفتگوی این است که راجع بان اشخاص مجازات شدیدی قائل بشویم و بتوانیم آنها را مجازات کنیم آقایان هم رای بدهند که ما بتوانیم تکلیف مان را اجرا بکنیم و تقاضای فوریتش هم شده است. یک موضوع دیگری است راجع به تعیین تکلیف دعاوی دولت بر افراد و افراد بر دولت که باید برود بکمیسیون عدلیه. آقایان البته میدانند که این کار ترتیب روشن و صحیحی نداشته است البته قوانین موضوعه بعقیده بنده کافی است برای اینکه دعاوی که مردم بردولت دارند غیر از دعاوی مالیاتی است و دعاوی که دولت من حیث این که دولت است طرف دعوی واقع میشود مثلاً اگر یک کسی ادعائی بر ملک دولت دارد یا دولت بر ملک کسی ادعائی دارد این بکچیزی است که باید بیاید بعدلیه ولیکن در سابق چون باین مسئله توجهی نمیشده است و وزارت مالیه اغلب خودش رسیدگی میکرد یعنی خودش هم طرف دعوی بوده است و هم قاضی و هم حاکم. از برای این مسئله هم حالا یک موادی در نظر گرفته شده است که ترتیب دعاوی دولت بر افراد و افراد را بر دولت معین میکند که باید برود بکمیسیون و پس از آنکه ترتیب در کمیسیون داده شد بیاید بمجلس شورای ملی

(لوائح مزبوره را تقدیم مقام ریاست نمودند و یکی از آنها بشرح ذیل قرائت شد)
ساحت محترم مجلس مقدس شورای ملی نظر باینکه ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی نسبت به مختلسین اموال دولتی مجازاتی جز غرامت و انفصال از خدمت دولت آنها فقط ناده سال معین نکرده

نظر باینکه مجازاتهای مقرر در مواد ۱۵۳ تا ۱۵۹ نیز نسبت بمأمورین خائن دولت فوق العاده ملایم است نظر باینکه قطعاً لازم است بوسیله مجازاتهای شدیدتری از اختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین جلوگیری کرد.

نظر باینکه بموجب ماده (۲۷۹) که اخیراً تفسیر شده راجع به عده از مختلسین مالیه قبل از انحلال عدلیه قرار منع تعقیب صادر شده بود.

نظر باینکه اصول محاکمات جزائی در قسمت راجع به احاله دعوی جزائی از محکمه به محکمه دیگر در عمل مشکلاتی را ایجاد کرده و برای تعقیب بسیاری از جرائم و بلاختصاص برای تعقیب مختلسین لازم است اصلاحی در آن بعمل آورد دو ماده ذیل را پیشنهاد کرده و باقید دوفوریت تقاضای تصویب آنرا مینماید:

ماده ۱ - مجازاتهایی که بموجب مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون مجازات عمومی برای اختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین مقرر شده است نسخ و بجای آن مجازات ذیل معین میشود علاوه بر رد مال تأدیه غرامتی معادل ضعف آن مال و حبس مجرد از دو تا ده سال... مجازات فوق در باره اشخاصی هم که قبل از انتشار قانون مجازات عمومی مرتکب جرم های مذکوره در مواد فوق الذکر شده اند و نسبت بجرم آنها مرور زمان ده سال حاصل نشده است مجری خواهد بود اعم از اینکه نسبت بان اشخاص باستناد ماده ۲۷۹ قانون مجازات قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد

ماده ۲ - حکم احاله که بموجب ماده ۲۰۷ اصول محاکمات جزائی برای رسیدگی بیک دعوا از محکمه بمحکمه دیگر توسط دیوان عالی نمیز داده میشود شامل تحقیقات مقدماتی نیز که خواه بتوسط مأمورین کشف جرائم و خواه بتوسط مستنطق بعمل میآید خواهد بود و این تقاضا ممکن است توسط مدعی العموم بدایت محکمه که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارد یا محکمه که باید رسیدگی بانجا احاله شود بعمل آید در هر حال وزیر عدلیه می تواند در موارد مذکوره در ماده ۲۰۷ توسط مدعی العموم دیوان نیز تقاضای احاله امری را از دیوان مزبور بنماید

وزیر عدلیه
رئیس الوزراء

رئیس - مذاکراتیکه میشود راجع بفوریت قسم اول است آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - موافقم

رئیس - آقای محمدولی میرزا

محمد ولی میرزا - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده هم موافقم

رئیس - آقای عهادی

عهادی - موافقم

آقا سید یعقوب - بنده مخالف بودم ننوشته اند؟ ...

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای فیروزآبادی چطور؟

فیروزآبادی - مخالفم

رئیس - بفرمائید

فیروزآبادی - عرض کنم بنده خیلی خوشحال شدم

که بنا است مختلسین مجازات شوند و امروز را روز بزرگی میدانم چون اگر این قانون نگذرد (هرچند ما قانون داریم) خیلی افاقه بحال مملکت دارد چون همین اختلاس است که مملکت ما را باین روز انداخته است. این دزدیهای بی مجازات است که کار مملکت ما را باین روز گشاییده است. دزدی در این مملکت کار را بجائی رسانیده است که هیچکس راحتی ندارد نه دولت راحتی دارد نه رعیت نه وکیل نه وزیر و این کار امروزی بسیار کار خوبی است که باید از مجلس شورای ملی بگذرد بشرط اینکه بیک قدری انشاء الله مطابقت هم با قانونی شرع داشته باشد. چه بسیار صد هزار تومان و پنجاه هزار تومان...

روحی - دریست هزار تومان - سیصد هزار تومان فیروزآبادی - بله صد ها هزار تومان از اموال دولت سرقت میشود و کسی آنها را تعقیب نمی کند بلکه راست راست راه می روند و می گردند بلکه رفیع رتبه هم میگبرند. اگر این جور کارها در مملکت جلو گیری نشود مملکت سیر قهقرائی می کند در هر حال بنده معتقدم که آقای وزیر عدلیه بلکه تمام افراد مملکت بقدر خودشان سعی کنند که این دزدی ها و اختلاسات مرتفع شود. با وجود تمام اینها و با وجود اینکه این عقیده را دارم و امیدوارم که انشاء الله این عقیده هم عملی شود با فوریتش مخالف هستم چون بیک کار بزرگی است و اهمیت دارد یعنی با دو فوریتش مخالف هستم و امیدوارم که بیک فوریت بیشتر رأی داده نشود تا بیک مذاکراتی هم در کمیسیون بشود بعد بیاید بمجلس و لااقل جزئی دقتی درش شده باشد و انشاء الله اقدام شود

رئیس - پس با فوریت قسم اول مخالفتی ندارید؟

فیروزآبادی - خیر

رئیس - آقای فومنی چطور؟

آقا سید زین العابدین فومنی - بنده هم در فوریت نانی

مخالفت دارم

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای کاررونی

کاررونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اینکه بنده گفتم مخالفم یقیناً باعث تعجب همه است که بنده چرا مخالفت میکنم و اگر راست باشد که بیک قانونی برای مختلسین وضع و ایجاد بشود و مجازاتی بعمل آید چرا بنده مخالفت نکنم. لیکن اینطور نیست و مخالفت بنده برای این است که شرم دارم و خجالت می کشم که ما بزور آمدیم و بیک ماده قانون را نقض کردیم. مخصوصاً راجع بمختلسین اصفهان بنده در اینجا عرایضی کردم مخصوصاً در نطق آقای وزیر عدلیه و درجائی که بنده مخالفم را عنوان کردم مخصوصاً مختلسین اصفهان را گفتم بنده چه اطمینان دارم که این قانون و این ماده هم که رفت در وزارت عدلیه در مقام تفسیر بر نیایند؟! مگر در همین جا نبود که آقای وزیر عدلیه اظهار کردند که مخصوصاً مختلسین اصفهان آمده اند و تحت تعقیب اند ولی ماده ۲۷۹ مانع است که آنها را مجازات کنند و ما هم آمدیم و فوراً آن را تفسیر کردیم همان تفسیری که ایشان آوردند. بعد ایشان حالا میگویند

قبل از انحلال عدلیه مستنطق آمده است و قرار منع تعقیب را داده است خیلی خوب آن عدلیه سابق را که با ما گفتیم مهمل و چرند است و خراب و عدلیه با گیزه و منزله و مقدس را آورده ایم روی کار. بعد هم آمدیم و این ماده قانون را چون کثیف و نجس و ملعون بود از بین بردیم و تفسیر کردیم یعنی گفتند برای اینکه ما بتوانیم مختلسین را تعقیب کنیم و چون اینها را در سابق مستنطق تعقیب کرده بود ولیکن این ماده مانع از مجازات بود آقای وزیر عدلیه آمد و تقاضای تفسیر کرد و گفت که رای خاطر همین مسئله من آمده است و این ماده را تفسیر می کنم این معذرتش چه چیز است؟ معذرتش این است که تفسیر کنیم و بدهیم بدست قضاة که مطابق این ماده تفسیر شده در موقع اجرا و عمل بگذارند و ما هم بسا يك شوق و ذوقی حتی مخالفین با عدلیه آمدند و رای دادند و آن ماده را نقض کردند و تفسیر کردند این یعنی چه؟ برای این قانونی که از مجلس گذشته است وزارت عدلیه با هر کس که باشد باید این ماده را عمل نکند آخر فکر کنیم نظر کنیم به اینکه میگویند که رئیس استیناف و مدعی العموم استیناف دیده اند اینجا قبل از انحلال عدلیه قرار منع تعقیب داده شده بود میگوید من هم دیدم باید عقب او بروم آخر تو چه حق داری عقب او بروی؟ قانونی در مجلس آمده است و فوریتش هم خواسته شده است و نقض شده است و تفسیر شده است و تو ما موری آنرا اجرا کنی برو اجرا کن دیگر این حرفها یعنی چه؟! بنده چون اطمینان ندارم که این ماده هم اگر بگذرد وثیقه نداریم که در دست این قضاة اجرا شود و این قضات بمیلی خودشان عمل می کنند از این جهت بنده چون اطمینان ندارم تقاضا میکنم آقای وزیر عدلیه بیاوند این جا و جواب بدهند و ثابت کنند و مدلل کنند که این ماده چه شده است استیناف عدلیه با این تفسیر صریحی که در مجلس شورای ملی شده است و این ماده را بعنوان مختلسین مالیه اصفهان نوشته است بچه معنی

این را بر گردانده است؟ بچه دلیل باز دو مرتبه تعقیب کرده اند رای مستنطق اولیه را؟ تعقیب کردن و دو باره وا گذاشتن چرا؟ چه دلیلی برای منقلب کردن تفسیر صریحی که مجلس شورای ملی کرده است دانسته اند؟ تفسیر مجلس را گذاشته اند نوي کشوی میز خودشان باز يك قانون دیگری را پیشنهاد میکنند. مگر ما می توانیم هر روز بقدر يك شاهنامه قانون بنویسیم؟! مگر در قانون توپ مسلسل است؟ آن محکمه استینافی که آمده است برخلاف تفسیری که در مجلس شده است آن کسیکه قانون را بمیل خودش زیر پا گذارده است و بمغز خودش تفسیر کرده است منفضل کند چطور شما هزار تا را منفضل میکنید اینها را نمیکند؟ میگویم بچه جهت این قانون و این تفسیر صریح واضح الدلاله صریح الدلاله را عمل نکرده است؟ از جمله غریب این بود که این قانون در مورد مخصوص و در قضیه مخصوصه وضع شده است وضع این قانون بر طبق توضیح وزیر عدلیه برای مختلسین مالیه اصفهان بود بعد مدعی العموم استیناف با قضای استیناف می آمد این را تغییر میدهد باز دو مرتبه يك قانون دیگری می آورد؟ چون بنده اطمینان ندارم که در این قانون دیگر هم يك تفسیری برخلاف رای و نظر مقننین نکنند مخالفم، خوب است توضیح بدهند.

وزیر عدلیه - بنده چون خیلی آشنا هستم بطرز فرمایشات آقای سید یعقوب میدانم که این حرارت ایشان يك حرارتی بوده است که حقیقه از روی يك عقیده بوده است منتهی نتیجه يك عدم توجهی است باینکه قانون را چه جور باید اجرا کرد فرمودند که در موقع تفسیر ماده ۲۷۹ وزیر عدلیه گفت اینکار از برای این است که مختلسین اصفهان تعقیب شوند بنده هم گمان نمیکنم که در این قسمت بشود يك گناهی بر بنده گرفت که برای این قضیه يك قانونی آورده ام ولی حالا باید ببینیم که آیا ما رقی میخواستیم يك مقصودی برسیم يك اصولی را باید قائل شویم یا خیر، در دنیا يك اصولی را از برای

رسیدن بمقاصد قائل شده اند وقتی که میخواهند يك مجرمی را تعقیب کنند اصولی را برایش قائل میشوند باید اول يك قانونی را در جلو داشته باشند که از روی آن عمل کنند بعد يك ترتیب معینی را معین کرده اند که از آن راه بخصوص بایستی رفت تا اینکه بشود مجرم را بمجازات رساند اگر فلان مدت گذشت ولو اینکه بزرگترین مجرمها باشد دیگر نمیشود مجازاتش کرد، يك اصولی آنها قائل شده اند چرا؟ برای این که عقیده دارند که با مراعات يك اصولی حتی يك جانی هم يك وقتی بی مجازات بماند این بهتر است. از برای مملکت و از برای جامعه از اینکه بدون اصول کار بشود. آقا که این فرمایش را میفرمایند بنده هم بایشان ارادت دارم ایشان هم چندین دوره است در مجلسند و چند دوره کار کرده اند يك چیزی را تصدیق میکنند و آن اینست که آیا يك اطلاعات حقوقی خاصی دارند؟

عمادی - خیر،

آقا سید یعقوب - تو چه میگوئی

عمادی - راست میگویند دیگر. اطلاعات حقوقی کجا داری؟

آقا سید یعقوب - کد ناپلئون را میدانم اما اطلاعات حقوقی اسلامی که دارم

وزیر عدلیه - اجازه بدهید آقای آقا سید یعقوب چرا اوقات تلخیتان را با دیگران میکنید یا بنده بکنید مسئله اینست که وقتی بنا شد يك محکمه يك رائی را داد و آن مراحل استینافی و تمیزش گذشت و مهلتهای قانونی منقضی شد آیا میشود در آن موضوع بخصوص دو مرتبه تعقیب کرد یا خیر، اصل اینست که خیر، وقتی که يك قضیه رسید بان مرحله که درش حکم يك قاضی شده باشد و موقع استیناف و تمیزش هم گذشته باشد ولو اینکه بدترین احکام هم باشد دیگر در آن بایستی مداخله کرد و این يك اصلی است اگر فرض بفرمائید يك محکمه آمده باشد و در دو سال پیش از

این يك جانی خیلی بزرگی را تبرئه کرده باشد مدت استیناف و تمیز آن هم گذشته باشد آیا امروز ما میتوانیم بیاییم او را تعقیب کنیم خیر؟ ولو اینکه این جا يك جانی بزرگی تبرئه شده است و اوقامان هم تلخ شود صاحب جامعه اینطور حکم میکند که ما اصول را تعقیب کنیم مسئله قرار مستنطق: مستنطقی يك قراری را داد و گفت که این مسئله را که شما نسبت باین شخص میدهید و میگوئید جرم است قانون این امر را جرم نمیداند و من باین دلیل او را تعقیب نمیکنم این را میگویند قرار منع تعقیب از نقطه نظر اینکه قانون شامل آن مورد نیست مشکل قانونی علمی در این بوده (چون آقای آقا سید یعقوب غالباً این اصطلاح را میگویند که بیایید «علمی» صحبت کنیم مشکل علمی در این بوده که آیا قرار مستنطق در حکم قرار يك محکمه است یا نه اگر قبول بکنند که در حکم حکم يك محکمه است مثلاً حکم يك محکمه میباشد، آنوقت اگر در بزرگترین جنایها آمده باشد قرار منع تعقیب داده باشد و موقع استیناف و تمیزش منقضی شده باشد دیگر نمیشود کارش کرد، اگر بگویند خیر قرار مستنطق قرار قضای نیست، قرار قضائی نیست، قرار محکمه نیست، آن وقت البته ممکن است که برای این مسئله دو مرتبه تعقیب را قائل شد عرض میکنم که بنده آن روزی که این ماده را گذراندم از نقطه نظر يك مورد بخصوص و يك اشخاص بخصوصی نبود بنده بطور کلی شنیده بودم که در عدلیه کار بن مختلسین مطرح است و بایستی این کار تعقیب بشود و این ماده هم مانع است آمدن آن ماده را گذراندم بعد معلوم شد در مورد یک نفر از آنها که اتفاقاً مهمترین آنها حساب میشود از حیث نسبی که با داده میشده است (برای اینکه وقتی محکمه یک نفری را محکوم بحکمی نکرده است ما باید او را مظنون بدانیم) خلاصه آن کسی که بیشتر و بزرگترین جرم نسبت باو داده میشده است راجع باو قبل از اینکه عدلیه منحل بشود قرار

منع تعقیب داده شده بود بموجب ماده ۲۷۹ بنده احتیاطاً مدعی العموم گفتم که شما این قضیه را تعقیب نکنید ببینیم در استیناف و نیز نظر چه میشود آن نظر را میگیرند یا این نظر را که قرار مستنطق قرار يك قاضی نیست (آقای آقا سید یعقوب هم تنقید بجا بوزیر عدلیه میکنند که دستش را بگیر بینداز دور) ، اگر بنده هم جای آنها بودم باکمال شهامت و جرأت (با اینکه ممکن بود هوم بکنند) اینجا می ایستادم می گفتم که عقیده شخص بنده اینست که قرار يك مستنطق قرار يك قاضی است و قرار مستنطق هم مثل حکم قاضی معتبر است و حکم او را نمیشود رد کرد ولیکن چون آنجا خود بنده قاضی نبودم گفتم این قضیه را تعقیب نکنند و ممکن بود که يك قرار دیگری بدهند باقی آقا سید یعقوب هم بنده اطمینان میدهم که شخص بنده قدری مقید هستم که در کوچکترین قضایا با مهمترین آنها در هیچ قضیه هیچ قاضی بنده نه آدمی هستم که دستور بدهم نه هیچ چیز دیگر ، این نظری که میگویم نظر شخصی است البته بنده مدعی العموم حق دارم از نقطه نظر قانون دستور بدهم این مسئله را تعقیب کند ولیکن هیچ وقت نیروم بيك محکمه بگویم که این قرار و این مسئله را تعقیب کند ، مصلحت مملکت هم در اینست . از این نقطه نظر بالاخره تعقیب شد نسبت به محکمه استیناف هم آقای لطفی میفرمایند و حرارت ایشان چون راجع بيك مقصود مقدسی است البته باعث حرارت بنده نمیشود ، ولیکن آقا اصف بدهند يك اشخاصی که می آیند می نشینند فکر این وضعیت را هم میکنند فکر جار و جنجال و هورا هم میکنند و همه قسم رعایت قانون را میبایند و می ایستند و میگویند عقیده ما اینست و از این عقیده خودمان هم بر نمیگردیم پس نیایستی اینجا این حرف را زد . البته آقایان میدانند که مسئله عدلیه بيك مسئله شخصی نیست ، میدانند بيك مسئله مملکتی است بيك مسئله بزرگی است بيك آرزوی ملی است ما که نیایستی اگر در سر بيك چیزهایی و در بيك مواردی

اختلاف نظر حاصل شده باشد واقعاً بيك کاری کنیم (من میدانم آقای آقا سید یعقوب واقعاً این طور نیستند) بيك ترتیبی ، بيك کاری ، کنیم که حیثیات ملی ما در زحمت بیفتد

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

وزیر عدلیه - در هر جای دنیا ممکن است که بيك انفاقی بیفتد که بيك محکمه بيك حکمی را بدهد برخلاف نظر بيك عده زیادی باشد تازه وقتی که این طور شد نباید بطور کلی بيك حکمی را از بین برد ، در صورتی که بنده این مدافعه که اینجا میکنم بيك نقطه نظر علمی است و این نظر هم از همان ممالکی آمده که این قوانین محاکمات را برداشته اند این جا آورده اند ، چه باید کرد ؟ آمده است دیگر همان روزها که این هیاهو بلند شد بعد از آنکه مدعی العموم رامامور رسیدگی کردم مدعی العموم در آنجا استدلال کرده گفته اند شما دو راه دارید ، بيك راه اینست که از مجلس صریحاً قانون بگذرد که حق اموری را هم که صریحاً رای منع تعقیب برایش داده شده بایستی دو مرتبه تعقیب کرد بيك راه دیگر هم اینست که چون مالیه در این قضیه مدعی خصوصی بوده است و ما در دوسیه سندی نداریم که از این قرار بمالیه ابلاغ شده باشد وزارت مالیه میتواند بیاید بگوید که بمن ابلاغ نشده است و استیناف بدهد آنوقت ما دو مرتبه میتوانیم اصولاً داخل در قضیه بشویم ، بنده این راه دوم را باز احتیاط کردم ، چرا ؟ برای اینکه این راه باز بيك راه نظری می شد و ممکن بود درش مباحثه بشود شما میگوئید که ما قاضی داشته باشیم که هر روز باو دستور بدهیم یا اینکه میگوئید خیر ما همچو گفتیم شما هم باید حتماً همچو کنید بيك قانون دستش است باید اجرا کند ؟ این قانون را که آورده ایم بمجلس از این نقطه نظر است و بنده امید وار هستم که وسائل کار که درست شد کار هم زودی انجام بگیرد آقایان هم برای نامین بيك

نظر های خیلی مهم و مقاصد ملی خیلی مهم بيك حرارتهائی بکنند نه برای بيك نظر هائی که بعد اگر در حرارتهای خودشان از روی انصاف و وجدان خودشان نگاه بکنند تصدیق بکنند که بيك ضرر های بزرگتری در بيك مسائل خیلی بزرگتری از این حرارتهای پیش خواهد آمد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

حاج میرزا مرتضی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - بيك لایحه باین مهمی را آقای وزیر عدلیه میآورند بمجلس بيك مخالف هنوز حرف زده فوری از اطراف شروع میکنند « کافیس کافیس » بالاخره شاید (حالا چه عرض کنم) شاید آقایان فهمشان بهتر از بنده باشد بنده که نفهمیدم جزئیات این لایحه چیست فقط بيك امر کلی بود که مختلسین را باید مجازات کرد ، خیلی خوب . قرارى نسبت بمختلسین باید صادر نمود ولی حالا ترتیب این قانون و وضع چه است ما نفهمیدیم نه مذاکره نه مطالعه در اطرافش شده است با قید دو فوریت بیاید در مجلس و مجال هم نمیدهید که اقلاً بيکنفر دو نفر حرف بزنند که مطلب دست آدم بیاید و رأی بدهد استدعا میکنم که آقایان (البته اکثریت هستند قوی هستند ، میتوانند رأی بدهند که اقلاً دیگران هم بفهمند که این قانون که وضع میشود چیست ، آن وقت بدو فوریت رأی بدهند

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم که اولاً نماینده محترم باید تصدیق بفرمایند که لوایح بقید دو فوریت در مجلس سابقه دارد یعنی وزیر حق دارد که لایحه ای را بقید دو فوریت بیاورد بمجلس و قانون این حق را بوزیر داده است شاید صلاح وزارتخانه اش در اینست که این قانون بقید دو فوریت بگذرد این بيك قسمت ، قسمت دوم اینکه موضوعی را آقای فیروز آبادی فرمودند که امروز یکی از روزهای تاریخی و مهم ما است که این

لایحه برای تعقیب مختلسین تهیه شده برای اینکه این مملکت را حقیقه اختلاس کشته است و تاکنون هم ما نتوانسته ایم هیچ کاری بکنیم دو سه ماده است که آورده اند و میگویند که باید مختلسین سابق و لاحق را تحت محاکمه آورد و حبس کرد ، بنده نمیفهمم که باین فرمایششان آقا چرا با فوریت مخالفت میکنند که ما کاری از این فوری تر نداریم و بنده هم مخالفت آقا را نمیتوانم حل بر بيك چیزهائی بکنم مگر اینکه عرض کنم کم لطفی میفرمایند

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . حالا رأی گرفته میشود بفوریت قسم اول آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد مذاکرات راجع بفوریت قسم دوم است آقای عمادی موافقت یا مخالف ؟ عمادی - موافقم

رئیس - آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای عراقی و نامداد هم موافقت ؟

(گفتند : بلی)

رئیس - آقای فیروزآبادی چطور؟

فیروزآبادی - مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

فیروزآبادی - عقیده بنده همانست که عرض کردم انشاء الله این قانون خوب قانونی است و خوب قانونی هم خواهد شد مملکت ما بواسطه بی مجازاتی باین روزافزاده است ما در بیابان زراعت میکشیم یعنی رعایا زراعت میکنند و مالیات میدهند ولی سارقین میبرند و مجازات هم نمیشوند بلکه میآیند اینجا مشغول گردش و اینها میشوند اما راجع فوریت بنده با در فوریت مخالفم و معتقدم که برود بکمسیون منتهی از کمسیون زودتر بگذرد و خبرش تقسیم شود بمجلس و تصویب شده عمل شود، بنده کاملاً موافق با مجازات سارقین هستم ولی باز روی نظر و دقت نه باین تعجیل و فوریت، الان بنده نمیدانم که موضوع چیست هیچ نفهمم ما باید يك مطالعه و دقتی بکنیم شاید بعضی از آقایان دیگر هم مثل بنده ملتفت نشده باشند در هر صورت بنده عقیده دارم که این قضیه برود بکمسیون و یکشوری باشد و باین فوریت نمیشود رأی داد

رئیس - آقای باسائی

باسائی - غالباً وقتی در يك موضوعی مذاکره میشود آقایان میفرمایند که ما درست از موضوع مستحضر نشده ایم، با توضیحات آقای وزیر عدلیه بنده بی ضرر میدانم که آن ماده قانون جزائی را که حالا میخواهیم نسخ کنیم برای آقایان بخوانم تا مطلب برایشان روشن شود، خود بنده حالا آنرا میخوانم: اینست ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی که میگوید « هر يك از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امناء صندوق دولتی که تقدینة متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که منزله تقدینة است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر

حسب وظیفه سپرده آنهاست اختلاس باهر تصرف غیر قانونی نماید بعلاوه رد مال و تأدیبه غرامتی معادل ضعف مال محکوم بانفصال از خدمت دولت از يك ناده سال خواهند گردید» مواد بعدم که در همین زمینه است مراجعه بفرمائید مجازاتهای مقرر در همین زمینه است مقصود این است که مطابق این قانون که از کمیسیون عدلیه مجلس گذشته است (در دوره پنجم) کسانی که متهم باختلاس هستند و باید تعقیب شوند بالاخره مجازات آنها دو چیز است اول اینکه باید مالی را که اختلاس کرده اند پس بدهند، این که تصدیق بفرمائید مجازات نیست، دوم اینکه باید محکوم بتأدیبه غرامتی مطابق ضعف آن مال بشوند و ده سال منفصل از خدمت بشوند، اینها مجازاتی که در قانون جزا پیش بینی شده است نسبت بکسانی که اختلاس کرده اند ولی افکار جامعه و خود ماها قانع باین مقدار از مجازات نیست یعنی این طور شده است که همه میگویند باید مجازات مختلس را شدیدتر کرد بنده مجازات حبس مجرد را عقیده ندارم و آن را متناسب با اختلاس نمیدانم (و در موقعش هم خواهم گفت) چرا؟ برای خاطر اینکه اختلاس همان خیانت در امانت است شرعاً، و جز حبس تأدیبی چیز دیگری لازم ندارد و چاره جز حبس تأدیبی نیست و باید حبس تأدیبی بشود این عقیده بنده است ولی اساساً در اینکه جامعه قانع نیست باینگونه مجازاتها که مختلس مالی را که برده است از او پس بگیرند و منفصلش کنند اینهم شبهه نیست بنا بر این باید يك مجازات شدیدتری برای مختلس وضع کرد که نظر آقایان تأمین شود. این توضیح قضیه بود دیگر تأخیر برای چه؟ يك توضیح دیگری هم لازم بود بنده بدم: غالباً گفته میشود «مختلسین فلانجا» و کبیل که واضع قانون است تا محکمه حکم صادر نکرده حق ندارد این نفوه را بکنند و کبیلی که واضع قانون است نمیتواند بکسو که هنوز حکم محکمه در باره اش صادر نشده است بگوید جان و مختلس! باید بگوید متهمین باختلاس، اینها متهمین

باختلاس هستند و باید آنها را تعقیب کرد. مستنطق قبل از انحلال عدلیه قرار منع تعقیب را صادر کرده است بعد هم مطابق قوانینی که در دست است مستنطق نمیتوانسته است تعقیب بکند آقای آقا سید یعقوب لطفات بساير قوانین نکرده اند. آن قوانین در حدود خودش معتبر است و وقتی میتوان آن قوانین را نسخ کرد که عملاً قوانینی جای آن را بگیرد وزارت عدلیه و کمیسیون عدلیه قوانینی نوشته اند که حاکم به ماسبق یعنی قبل از انحلال عدلیه نیست پس اگر مستنطق نظر بيك قانونی که قبلاً معتبر بوده است يك قرار دادی داده است و تعقیب را منع کرده است کار بی موردی نکرده است و باز توضیحاً عرض میکنم این مجازات مجازات اداری است، مجازات عمومی که عدلیه حکم کند نیست. انفصال از خدمت که در ماده ۱۵۲ نوشته است وظیفه محکمه اداری است. وظیفه محکمه عمومی نیست. رد مال یا تأدیبه غرامت یا ضعف آن اینهم بيك مجازاتی است که عدلیه میتواند بگیرد بموجب این ماده اصلاً من حق تعقیب را ندارم و خود محکمه اداری باید تعقیب کند او را منفصل از خدمت میکند بکند در حدود صلاحیتش مان را میخواهد بگیرد خودش بگیرد اینها کار اداری است. پس وقتی عدلیه میتواند تعقیب بکند که ما بيك مجازات عمومی از قبیل حبس تأدیبی حبس مجرد و چیزهایی که در اطراف این مجازات هادر قانون پیش بینی شده وضع کرده باشیم پس اعتراضی به مستنطق و قاضی عدلیه هم وارد نیست و این توضیحاتی که دادم از نقطه نظر این است که آقا با اینکه کاملاً معتقدند که اینها باید مجازات شوند و تعقیب شوند، دیگر مخالفت نکنند و بگذارند فوریتش تصویب شود.

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده اصولاً با کلیه قوانین مجازات برای اختلاس و از این قبیل قوانینی که بر بخورد بيك مجازاتی که بالاخره مملکت را نداشتن آن قوانین حقیقه

فالج کرده همیشه موافق بوده ام. ولی بيك قوانینی هست که قوانین عمومی است یعنی محل احتیاج جامعه است. این قوانین برای اشخاص وضع نمیشود تعقیب بنده اگر بيك قوانینی وضع میشود برای امروز است تا هر وقت که شود این است که اصولاً تصدیق میفرمائید بنده بنده این را بدون ملاحظه و مراجعه باصلش ولو خیلی هم خوب نوشته باشد بنده معتقد نیستم از مجلس شورای ملی بگذرد و بهتر این است که آقایان موافقت بفرمایند که این لایحه ولو بيك دفعه هم برود به کمیسیون (بيك فوریتش هم تصویب شده است) و بيك دقتهای کاملتری بشود البته میدانید نظریات افراد نسبت بقوانین خیلی اهمیت دارد و میتواند بيك نکات دقیقتری را در هر قسمتی بگنجاند که بيك تأثیرات و فوائد بیشتری از این قانون که برای جلوگیری از اختلاس امروز میخواهیم بگذاریم ازش بگیریم. این است که بنده عقیده دارم آقای وزیر عدلیه اگر موافقت بفرمایند و آقایان نمایندگان موافقت بفرمایند این قانون برود به کمیسیون و کمیسیون هم تشکیل شده.

بکنفر از نمایندگان - نشده.

حاج شیخ بیات - فردا میشود. پس فردا میشود.

شده است.

بعضی از نمایندگان - خیر نشده.

حاج شیخ بیات - بنده اینکه عرض کردم تشکیل شده مقصودم این نبود که الان کمیسیون عدلیه در خارج منعقد است. مقصودم این بود که کمیسیون عدلیه تشکیل می شود کمیسیون عدلیه که تشکیل شد برود با آنجا و در طرف این مطالعه و دقت بشود. و اصولاً نمی می دانم از آقایان که این دو فوریت را نسبت بلواج عمومی صرف نظر بکنند. این بود عرض بنده

وزیر عدلیه - بنده خودم هم از دو نقطه نظر اساساً

خیلی سعی دارم که چیزهایی فوریت پیشنهاد نکنم یکی

از آن دو نقطه نظر این است که واقعا می بینم این

نظر طرف توجه نمایندگان است و با طبیعه بيك وزیر

هم باید آن چیزی را که اکثریت بان نظر دارند مراعات کند و بنا بر این خیلی از لوابیح را در نظر داشتیم و دارم بعضی مواد هم قبلاداده شده است که آقایان ملاحظه کرده اند که هیچ تقاضای دو فوریت نشده، فقط در اینجا اگر يك شكل بشود بنده فوراً موافقت میکنم که يك فوریت باشد و آن شكل عبارت از این است که اگر چه بطوری که نماینده محترم فرمودند قانون برای مورد خاصی و اشخاص خاصی نیست ولی در هر حال این را هم همه میدانند که يك موضوع و مورد خاصی عجالتاً پیدا شده است و این قانون وقتی که گذشت میگردد این اشخاص را، حالا تصدیق بان قضیه آری باید کرد با خیر که وقتی يك اشخاصی که صد و شصت هزار تومان صد هزار تومان برداشته اند برده اند و مدتها هم هست میگرددند و خیالشان هم فارغ است اگر بگوئید این قانون برود به کمیسیون مدتی طول دارد صبر کنیم تا انشاءالله از کمیسیون بگذرد و بیايد بمجلس شورای ملی چه مشکلات ممکنست ایجاد شود؟...

بعضی از نمایندگان - صحیح است

وزیر عدلیه - این يك قضیه ساده نیست. فکر کنید. بيك کسی بگویند تو صد و شصت هزار تومان برده ای حالا صبر کن آنجا بنشین هیچ قدمی بر ندار هیچ اقدامی نکن تا اینکه ما خیال داریم يك قانون به کمیسیون عدلیه ببریم آن را طرح کنیم شور کنیم بعد از مدتی ملایم ملایم بیائیم مثلاً ده سال حبس مجرد پیشنهاد کنیم. این نمیشود. این قضیه اگر در بین نبود بنده موافق بودم. واقعاً هم قانون مجازات است يك موادی که باید رسیدگی کرد و خیلی دقیق باید بود ولی از این نقطه نظر بخصوص بنده فوریت تقاضا کردم آقایان ملاحظه فرمایند اگر این نظر واقعاً صحیح بوده است موافقت فرمایند با دو فوریت اگر نیست که هیچ بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. زعیم - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید

زعیم - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم یعنی با رأی دادن در این مجلس برای يك قانونی که روی اصول فعلی باید حل شود. بنده مخالفم. فکر خود آقای وزیر عدلیه را هم در اینجا كلك میطلبم این اشکالی که فرمودند بنده هم تا حدی این مسئله را مشکل می بینم البته يك اشخاصی که منتهم هستند و مردم و وكلا و دولت هم متوجه مجازات آنها هستند و در کوچه ها دارند میگردند البته خوب نیست، اما از آنطرف باید این ملاحظه را کرد که يك قانونی که نوشته میشود برای مملکت ایران و ملت ایران و بالاخره قانون مجازات میباشد که چاپ میشود و در دست ها باقی میماند این باید تطبیق بشود با يك اصول فلسفی و فقهی. يك چیزی که درست درش فکر نشده است و هم آور است این است که بنده هم ابرام در عرض خود نمیکم لکن اینطور اصلاح میکنم که با نظر خود آقای وزیر عدلیه يك تنفس چند دقیقه ای التفات بشود حالا هم وقت دارند این مسئله را در بیرون بیشتر مطالعه بکنند. این يك قضیه ایست که بنده پیشنهاد تنفس کردم برای اینکه نظر بکفایت عمیق تر بشود. مثلاً در قانونی که از سابق داریم مجازات را برای محتلسین بيك نحوی معین کرده است در آن قانون هم نظر ها زیاد بوده است بنده هم خاطر می آید که همان ایام که گفته شد این مجازات کم است. اشخاصی هم نا ادله و براهین ثابت کردند که کفایت میکند که آن آدم محتلس پولی را که از این راه برده بدهد. ضرری را هم که متوجه اشخاص کرده است تلافی کند و بالاخره چندین سال هم از خدمت محروم باشد. آنوقت اینطور گفتند، حالا ما میگوییم این کم است و باید زیاد تر شود و حبس مجرد باید بشود. این يك قضیه علمی است فقهی است بالاخره باید در این درست مطالعه کرد. بنده نظر مخالفی نداشتم از نقطه نظر اینکه وزارت عدلیه است و اینها، بنده حقیقتاً عرض میکنم. از

فکر خود آقای وزیر عدلیه هم كلك میخوام که بیائیم و مطالعه کنیم و يك قانونی که مبتلا به است درست در آن دقت بکنیم که اقلاً نماندند بيك قانونی که ما می گذرانیم....

آقا سید یعقوب - کی می خندد آقا؟!

زعیم - آقا شما که الان مخالف بودید؟! بله می خندند بقانون غلط که بی فلسفه باشد می خندند.

آقا سید یعقوب - دزد را که بخواهند بکشند می خندند؟!!

وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم که اینجا بيك مختصر سوء تفاهمی پیدا شده است. آقای نماینده محترم آقای زعیم مثل این است که تصور فرموده اند که این قانون تازه نوشته شده است. در قانون دو قسمت است بيك قسمت که می آید تعریف جرم را میکند و بيك قسمت دیگر که مجازاتش را معین میکند. در قسمت تعریف جرم فوق العاده باید دقت کرد که با بيك عبارات کوناھی بيك موارد خیلی زیادی را بطور روشن بشود جمع کرد و مشمول آن مقررات نمود این قسمت را ما اصلاً دست زدیم و سرچایش هست و این هم چیزی نیست که تازه باشد و مطالعات زیادی لازم داشته باشد مسئله این است. عبارت ساده تر سؤال بنده این است آیا عقیده تان این است که بيك کسی که محتلس اموال دولتی باشد این باید به همین مجازات که اینجا نوشته است محکوم بشود یا خیر؟...

بعضی از نمایندگان - خیر

وزیر عدلیه - اینجا میگوید یکی اینکه آن مالی که گرفته از او پس بگیرند اغلب این حرف است. خوب این پولی که برده چکار کرده؟ کجا برده؟ دو سال بيك سال از این قضا گذشته این پول را گمان میکنم بشود پس گرفت. نه میدهند نه میشود. اما قسمت اینکه دو برابر آنچه که برده بدهد آن را گمان میکنم اصلاً بنده درش وارد نشوم. ممکنست پول کرده باشد گذاشته باشد در بانک، ملك

خریده باشد باسم عیالش هزار بازی در آورده باشد که بالاخره همه میدانیم. خوب دیگر از این مجازات چه باقی میماند؟ اینکه این زرگواری که اینکار را کرده از بيك ناده سال منقض خواهد شد از خدمت دولتی. ممکنست بيك قوانین مخصوصه هم باشد پنج سال بشود، دو سال بشود، یکسال بشود. تمام مجازات این است. حالا آری میفرمائید که بيك چنین محتلسی را باید فقط یکسال منقض کرد؟ بنده که گمان میکنم هیچ عملی از این مفیدتر نیست، هیچ کسی از این مفیدتر نیست که آدم در ماه بيك مبلغی حقوق بگیرد بعد هم وقتی که موقع دستش آمد بيك مرتبه صد هزار تومان پنجاه شصت هزار تومان برد آنوقت یکسال هم برود خانه اش بنشیند منقض بشود ماهی دوست تومان صد و پنجاه تومان را نگیرد. پس قضیه بر میگردد روی آن مسئله که بنده عرض کردم. حالا بنده اصلاً مجازات جرم را میخوام آقا خواندند بنده هم میخوام که بهتر ملتفت شوند میگوید: هر بيك از تحصیلداران....

(خطاب به زعیم) در این مایه بودید آقا میدانید از این کارها خیلی میشود. و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امناء صندوق دولتی که تقدیر متعلق بدولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که بمنزله تقدیر متعلق است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده بانها است اختلاس یا هر تصرف غیر قانونی نماید بعلاوه رد مال و تادیبه غرامتی معادل ضعف مال محکوم بانفصال از خدمت دولت از بيك ناده سال خواهند گردید. دومیش، (چون ماده صد و پنجاه و سه هم جزء آن است) ماده ۱۵۳ هر بيك از مستخدمین و مأمورین دولتی و اشخاصیکه عهده دار خرید یا فروش یا ساختن چیزی یا امر بساختن آن برای دولت بوده است بواسطه تعدیس در خرید یا فروش یا در تعیین مقدار یا صف آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد که موجب ضرر دولت باشد علاوه

بر استرداد آنچه تحصیل کرده بتادیه گرامتی معادل ضعف آن محکوم خواهد شد و اگر مستخدم دولتی باشد بعلاوه مجازات فوق از يك تا هفت سال از خدمت دولت منفصل خواهد گشت. باز می بینید که اینهم چیزی نیست. بالاخره دنباله این قانون را بگیریم باز مواد دیگری هست آن قسمتی که خیلی باید درس مطالعه و دقت کرد تعیین جرم و تعریف جرم است آن قسمتش حلاجی شده است ممکن هم هست يك نواقصی داشته باشد. ولی خیر اگر يك روز بر خوردیم بيك نواقصی ممکن است بیاوریم ببریم در کدیسون عدلیه و بيك قراری میگذاریم. قسمت دیگر قسمت مجازات است که آیا این اشخاص باید مجازات بشوند یا نشوند؟

بعضی از نمایندگان - بلی بلی

وزیر عدلیه - این یکی مسئله دیگر این اشخاصی که بعنوان ماده ۲۷۹ قرار منع تعقیب آنها صادر شده است آنها را باید ول کرد یا خیر؟

بعضی از نمایندگان - خیر خیر.

وزیر عدلیه - اگر اینطور باشد و باید ول کرد من هم حرفی ندارم ولی اگر نباید ول کرد پس اینقدر فکر زیادی در این دو مسئله لازم نیست. يك مسئله این است که مجازات مختلس بیشتر از انفصال چیز دیگری باشد؟ یکی هم اینکه کسانی که قرار منع تعقیب در باره آنها صادر شده باید آنها را تعقیب کرد یا نه؟ این دو موضوع خیلی سهل و ساده است. سایر قسمتهاش در قانون نوشته شده است چاپ هم شده است دست مردم هم هست. نه مورد خنده است و نه کسی حق دارد که بيك قانونی که از مجلس میگذرد بخندد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای ضیاء و آقای زعیم پیشنهاد تنفس داده اند.

جمعی از نمایندگان - همه مخالفیم.

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده ملاحظه کردم دیدم فرمایشات هر بيك

از آقایان موافقین و مخالفین نسبت به فوریت قسم ثانی باندازه ضعیف نیست که بشود بدون مطالعه رأی داد در حالتی که بنده کاملاً معتقدم که اینطور مجازاتها میبایستی تا هر درجه ای که قانون و انصاف قانون گذار ها اجازه بدهد شدید باشد به مقتضای مملکت. و از بيك طرف دیگر هم معلوم است اینگونه امور عمومی که مربوط بيك قضایای خصوصی نیست نباید اینقدر سریع بگذرد حالا برای يك موضوع خصوصی تسریعی مقتضی باشد اما ممکن است چهار روز دیگر بيك مواضعی پیش بیاید که اینقدر شدت و سرعت لازم نداشته باشد و از آن طرف رأی ندادن بفوریت قسم ثانی هم ممکن است که بيك موضوع مهم باشد و فوت بشود بنده باین جهات پیشنهاد کردم ده دقیقه تنفس داده شود در این مدت لایحه پیشنهادی دولت بین نمایندگان دقت و مطالعه بشود و تطبیق با قوانین موضوعه بشود بعد از تنفس نمایندگان حاضر بشوند با ایمان به صحت موضوع بفوریت قسم ثانی و به خود موضوع رأی بدهند.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - فرمایشات آقای ضیاء را بنده آنچه که تصور کردم مخالفتی نبود و خودشان هم فرمودند با اصل قضیه موافقتند. ولی نسبت بيك قضیه که ایشان میگویند باید تحت مطالعه بیاید و امر مهمش هم تلقی میکنند بنده خیلی تعجب میکنم که ایشان میفرمایند به تنفس و رفقن نوي سر سرا (که آنجا بعضی مشغول چای خوردن می شوند و بعضی مشغول سیگار کشیدن) این قضیه حل میشود، همچو امر مهمی با این انتظامی که در مجلس است حل نمی شود ولی با آن بی انتظامی که که در سالون هست حل می شود؟! این خیلی اسباب تعجب من شده است. عقیده بنده این است که تنفس داده نشود و حتی اینکه رأی آخری را هم باید بدهیم و اگر بنا شد تنفس تا آخر مجلس داده نشود. برای اینکه این يك امری است که باید امروز تمام

شود، ما برای يك شهریه چهار ساعت پنج ساعت حرف میزنیم، و تعقیب این اختلاس مهم را نمی شود معطل کرد. این است که بنده عقیده به تنفس ندارم.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای ضیاء آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - اکثریت است. رأی گرفته می شود به فوریت قسم دوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع به کلیات است...

حاج شیخ بیات - (خطاب به آقای رئیس) - آقای زوار به بنده توهین کردند.

رئیس - بنده چیزی نشنیدم...

آیه الله زاده اصفهانی - آقایان همه شنیدند که گفت شما ها طرفدار مختلسین هستید.

زوار - بنده اینرا جداً تکذیب میکنم.

رئیس - آقای موقر

موقر - عرض میکنم. بنده تصور میکنم که حبس مجرد کافی نیست و میبایستی حبس مجرد مبدل به حبس با اعمال شاقه شود بجهت اینکه اشخاصی که خود را حاضر میکنند برای اختلاس یا دزدی از حبس مجرد که اسباب راحت آنها است باکی ندارند فقط چیزی که میتواند جلوی آنها را سد کند همان اعمال شاقه است و الا صد هزار تومان دویست هزار تومان، سیصد هزار تومان اختلاس کردن و بيك مدتی راحت گذراندن از برای آنها هیچ اهمیت ندارد و از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که

عبارت حبس مجرد مبدل شود به حبس با اعمال شاقه رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم.

بعضی از نمایندگان - بيك مرتبه ماده را قرائت کنند رئیس - عرض کردم مذاکرات راجع به کلیات

است. آقای روحی

روحی - بنده عقیده دارم که آقا هم موافقت فرمایند همین اصلاحی که در قانون سابق شده است بهمین ترتیب بگذرد در این مملکت هیچ بندی و قیدی نبوده است هر کس هر قدر توانسته است اختلاس و دزدی کرده است منتهی مجازات هم که برای این کار معلوم شده بود فقط ده سال انفصال از خدمت بود ولی حالا ده سال حبس مجرد معین شده است. یک نفری که اختلاس میکنند ده سال حبس مجرد میشود و این بيك کار بزرگی نیست. این است که بنده از نماینده محترم تقاضا میکنم که ایشان هم پیشنهاد خودشان را مسترد کنند با این ترتیبی که در قانون قید شده است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده اولاً عرض میکنم که تصور نشود بنده با قانونی که برای مجازات مختلسین وضع میشود مخالفم (فرمایش آقای باسائی متهمین) نظیر بنده در این مسئله نظیر همان گرگی است که بردند گله را دستش دادند و گریه میکرد و میگفت میترسم دروغ باشد آقای داور در ضمن فرمایشانشان فرمودند فلانکس شما از حقوق اطلاعی ندارید، حضرت وزیر که خبر دارند آقای باسائی هم که مؤیدشان بودند کاملاً با خبر بودند ولی بنده تصدیق دارم که خبر ندارم. اما بنده عرض میکنم بعد از آنکه بموجب قانون سابق مجلس آن ماده را تفسیر کرد و مستنطق قرار منع تعقیب را داد دیگر به چه مناسبت آمدید به مدعی العموم استیناف امر دادید که این مسئله را در تحت نظر بیاورد؟ خوب این بيك ایراد به شما

که قانون دان و تحصیل کرده هستید

وزیر عدلیه - تصدیق دارم .

آقا سید یعقوب - میفرمائید که نیدانستم و گاهی هم میشود که اشتباه میشود ولی چرا فرستادید مدعی العموم استیناف يك چیزی که قانون و مستنطق قرار منع تعقیبش را داده است و نمیشود تعقیب کرد امر دادید تعقیب کند؟ بنده هم گاهی يك کار هائی در عدلیه داشته‌ام و برای بعضی موضوع ها گاهی به عدلیه میرفته‌ام گاهی هم مظلوم واقع میشده‌ام گاهی ممکن بود ظالم باشم . در هر حال يك کار هائی در عدلیه داشته‌ام و میدانم که در بعضی موارد (آقایان بخوبی مستحضرنند) و مواقع فوق العاده که آن موارد را در موقع قانون حساب نمی کنند و آن موقع را مثلاً در مدت استیناف قرار نمی دهند . مثل موقع فرس مازور که يك ترتیبی پیش می‌آید که در موعد استینافی که سی و يك روز است در این مدت نه مدعی العموم و نه مستنطق و نه عارض و نه معروض نمیتوانند مطابق معمول رفتار کنند در این موقع نمیشود گفت که مدت استیناف گذشته است زیرا که فرس مازور بوده است (این لفظ فرس مازور دیگر اصطلاح شده است اگر بنده لفظ فرنگی مآبی گفتم ببخشید) در هر حال اگر يك چیزی در این مدت پیش آمد و يك موقع فوق العاده بود گمان میکنم مطابق سابقه این مدت را جزء موعد قانون نیاورند . ثانیاً بعد از این که بر شما معلوم بود که قانون اینطور است که بعد از آنکه مستنطق قرار منع تعقیب را داد دیگر نمیشود تعقیب کرد شما که وزیر عدلیه عالم ما هستید چرا آن ماده را آوردید در مجلس؟ بنده باطمینانی که شما يك وزیر عدلیه عالمی هستید و از قوانین کاملاً مستحضرید و آقایان باسائی هم که مدتی در عدلیه اعلم العلماء بوده‌اند آرزو مدافع بودند بنده دیدم آرزو آقایان علماء گفتند که چون ماده ۲۷۹ سابق شامل نمیشود و اگر تفسیر بکنید شامل خواهد شد بنده با فوریت هم رای دادم ولی حالا معلوم شد که

آن تفسیر هم فایده ندارد در صورتیکه اگر آرزو آن ماده به کمیسیون عدلیه یا يك کمیسیون دیگر رفته بود معلوم میشد که اگر آن ماده را هم تفسیر کنند فایده ندارد این اشکال امروز پیش نمی‌آید و اینهم واقع نمیشد که حضرتعالی در ضمن صحبتتان به بنده يك چیزی بفرمائید در صورتیکه نهایت محبت بود و بنده هم در حال آنکه ارادت دارم ناچار بشوم جواب بگویم . عرض میکنم اگر قوانین برود در کمیسیون ها و زیر و زیر بشود و مطلع و مستحضر شوم چرا باید که پررئوز يك قوانینی را بگذرانیم بعد بگوئیم که معلوم شده است آن قانون بی ربط بوده است و سر بی صاحب تراشیده‌ام و بی فایده بوده است

وزیر عدلیه - اینطور نیست آقای

آقا سید یعقوب - خیر همینطور است اگر آن ماده بعد از تفسیر مدعی ما را حاصل میکرد مختلسین را متهمین را تحت تعقیب می‌آوردند و محاکمه میکردند چه لازم بود که امروز دو ماده دیگر باقی‌دو فوریت بیاورید ولی ما کاملاً با نظر شما موافق هستیم که متهمین تعقیب شوند و انشاء الله امیدوار هستیم که راست باشد حالا يك فلسفه آقای مدرس برای بنده بیان میکردند خدا کند که در این جایبان نکنند و الا کار خراب می‌شود و آن يك مسئله است که قانون شامل ما قبل نمی‌شود ، آقای مدرس میدانم که نوبت بشما نمیرسد و الا خراب میکنید . اگر قانون به کمیسیون مزاجعه شده بود و در جریان کمیسیونها افتاده بود این ایراد بنده امروز بروزی عدلیه و بر موافقین وارد نبود بواسطه اینکه امروز آن ماده را درست تحت دقت می‌آوردند و می‌دیدند که آن تفسیر مدعا و نظریات را درست نامین میکنند یا خیر و این منقصد پیش نمی‌آید و حالا هم این دو ماده را که آورده‌اند نمیدانم که فردا این نظر را نامین میکنند یا اینکه مثل همان تفسیری که در هشتم مرداد شد نظر را نامین نمیکند . پس خوب است آقای وزیر عدلیه این جا توضیح بدهند

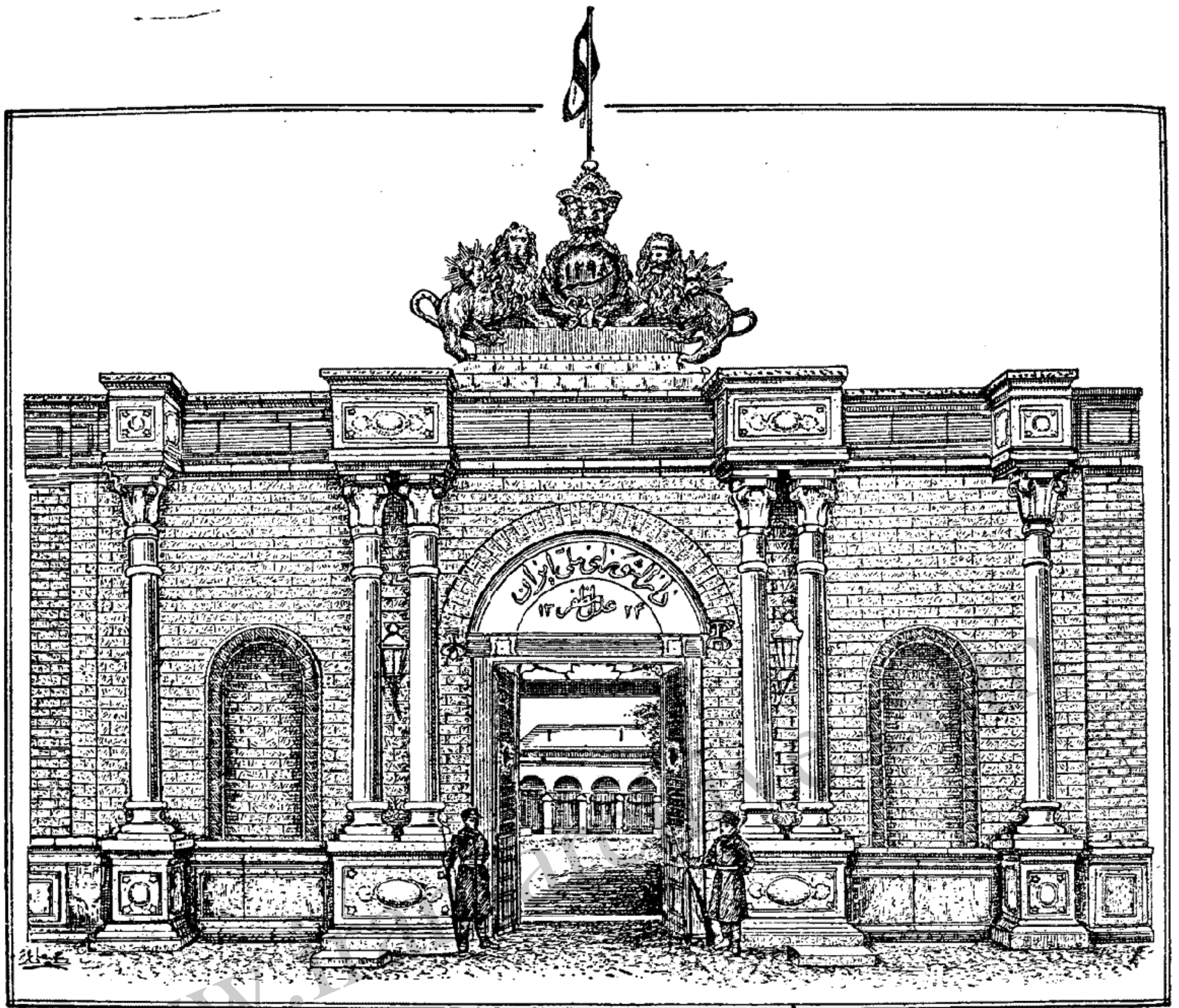
و معلوم کنند که این دو ماده را که آورده‌اند کاملاً نامین میکنند یا خیر و آن متهمین را تحت تعقیب می‌آورند؟ مرور زمان هم که نوشته‌اند آنها یک قدری ذهن را نزدیک میکنند و امیدواری حاصل میشود که يك ترتیبی واقع بشود ولی باز هم بنده میترسم که بعد از دو ماه دیگر همین فوریت و با همین مساعدینی که دارند بیایند و بگویند که این قانون هم نشد و يك قانون دیگری باید نظریه ما را نامین کنند این بود نظریات بنده در فوریت ثانی هم خواستم این نظریات را اظهار کنم و مخالفت کنم و نوبت بین رسید .

وزیر عدلیه - بعضی عیبها در انسان هست که لا علاج است مثلاً بنده میبایستی ملتفت شده باشم که کله را که گفتم به مقام آقای آقا سید یعقوب بر میخوردم و آنوقت اوقاتشان تلخ میشود و میفرمایند که چرا اینطور گفتی اولاً ممکن است بنده به شما عرض کنم که خوب ببخشید و بنده اشتباه کردم و ثانیاً عرض میکنم که خیر همین طور بوده است و بنده اشتباهی نکرده‌ام . بنده نمی‌آیم دعوی که در عدلیه هست یکی یکی به بینم . بنده خبر داشتم بمناسبت يك کاغذی که از مالیه آمده بود که مختلسین اصفهان تکلیفشان معین نشده است و در اثر این پیش آمد تحقیق کردم که دوسیه مختلسین اصفهان در باره است گفتند بلی ولی ماده ۲۷۹ مانع است که کار آنها تعقیب شود . بنده آمدم آن ماده ۲۷۹ را به مجلس برای تفسیر آوردم و مجلس هم تفسیر کرد و در محکمه هم همان طور که در مجلس تفسیر شد عمل کردند ولی معلوم شد قبل از اینکه این ماده تفسیر شود مستنطق راجع به آن قراری داده است و آرزو ما باین خیال نیفتادیم ولی اگر امروز بخیرال افتادیم که باید این موضوع را جبران کنیم باید اعتراض کرد؟ از طرف دیگر ممکن است بفرمائید خوب تو که مبدعستی بالاخره ممکن است که قرار مستنطق قرار قاضی باشد و نمی‌شود آن قرار را تعقیب کرد چرا آمدی مدعی العموم این طور

امر دادید؟ برای اینست که بنده باقا عرض کردم به این موضوع يك مسئله نظری است منتهی بیشتر نظریه این است که نمیشود موضوع را تعقیب کرد . ولی نظر من باین بود که تعقیب کنند و از این جهت گفتم تعقیب کنند برای اینکه نیایم اینجا و در مجلس هم مجبور نشوم این اندازه صحبت کنم و اگر چنانچه بتمیز هم رفت و این رویه را تعقیب کرد و قبول کرد اینطور باشد ولی دیدیم که نشد و در تمیز این رویه را قبول نکردند و مجبور شدیم که این دو ماده را بمجلس بیاوریم و این علت عملی است که شده است . و حالا از آقایان استدعا میکنم که اینقدر اگر و اما نفرمائید ما این قانون را آورده‌ام بمجلس که اصلاح کنید . يك مطلب را میخوام به آقای آقا سید یعقوب عرض کنم و آن این است که اگر مبنای دنیا بر این بود که هر قانونی را که مجلس وضع میکند بطوری کامل باشد و بطوری قضایا را پیش بینی کرده باشد که دیگر لازم نباشند يك قانونی را بیاورند و بنده نظر کنند بنده گمان میکنم بعد از چند سالیکه مجلس در يك مملکت می‌نشست و يك قوانینی را وضع میکرد دیگر لازم نبود که مجلس داشته باشند ولی با وجود اینکه سایر ممالک و وسایل کارشان بواسطه اینکه مدتها در این قبیل کارها بوده‌اند خیلی فراهم تر است هر سال ملاحظه میفرمائید که بسیاری از قوانین موضوعشان عوض میشود و قوانین جدیدی وضع میکنند این ابراد نیست که شما میفرمائید چرا يك روز قانون را گذرانده‌اید و حالا آورده‌اید و میخواهید عوض کنید . بنده بگ نظر دیگری هم دارم و آن این است که اگر آقایان موافقت بفرمایند تصور میکنم پس از يك مدتی که آقایان نشسته‌اند خسته شده‌اند و در این حال خستگی کار کردن خیلی مشکل است اگر آقایان موافقت بفرمایند این تئیس را که بعضی آقایان میخواهند داده شود و واقعاً هم چند نفر بنشینند و يك مطالعه و دقتی هم در این قانون بفرمایند

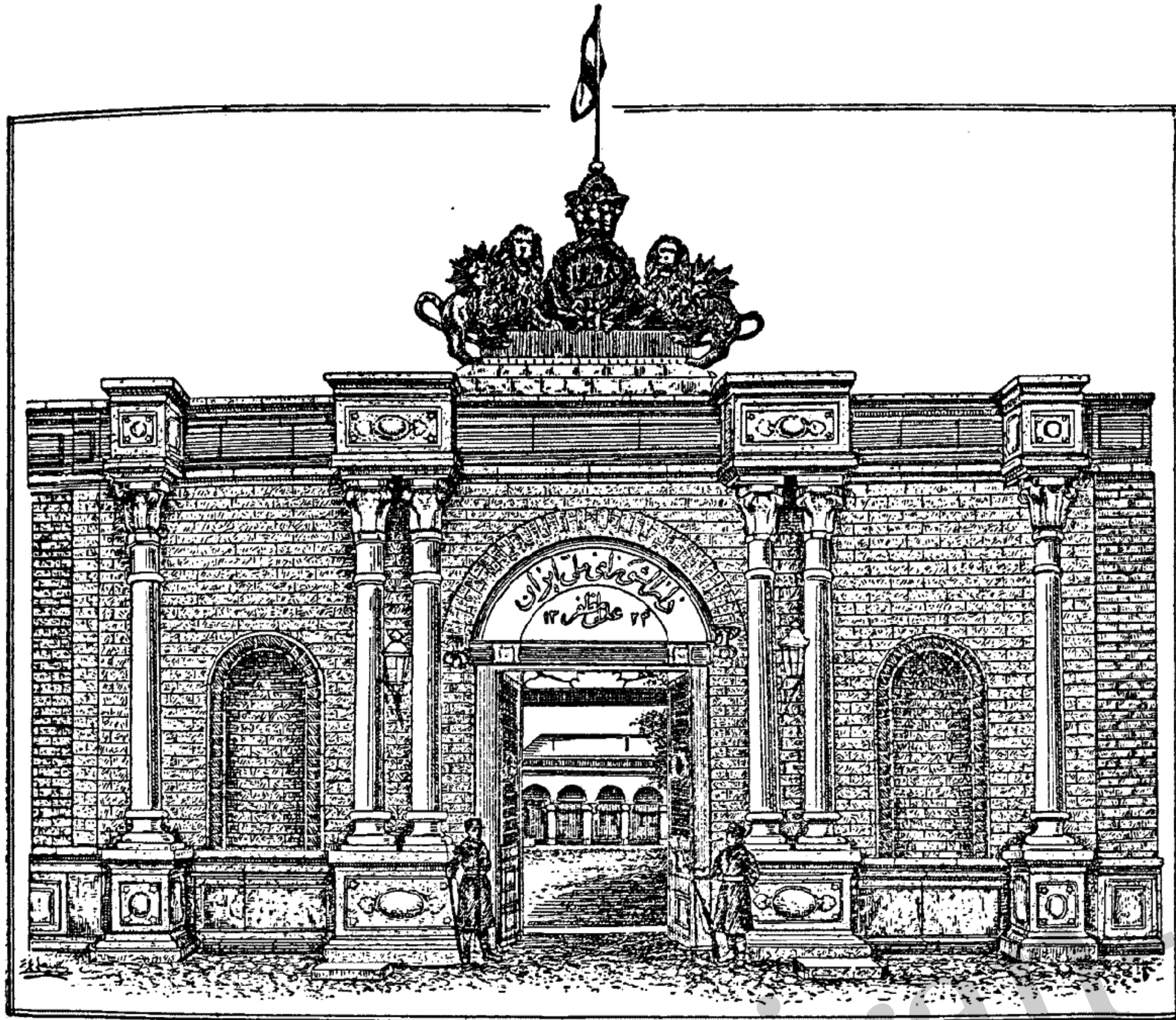
و اگر هم آقایان موافقت ندارند بنده عرضی ندارم در هر حال همینقدر عرض میکنم آقایان سعی بکنند که فاصله ما بین صحبت امروز با تعیین تکلیف قانون نباشد و همین امروز بگذرد و چنانچه تکلیف آن معلوم نشود خواهید دید و یک روزی يك عده که واقعا دلشان بحال مملکت میسوزد خواهند گفت که بواسطه تعویق این موضوع يك مهلتی به این اشخاص داده

شد و اینها رفتند و يك دست و پائی کردند و يك کارهائی از دست رفت .
رئیس -- چون عده هم کافی نیست اگر اجازه می فرمائید تنفس داده شود .
(در اینموقع (نیمساعت قبل از ظهر) جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)



دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۷۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۴۱۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ جادی الثانیه ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ايران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	ادامه مذاکرات در اطراف لایحه مجازات مختلسین اموال دولتی	۲۸۵۷	۲۸۶۶

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۴۶

جلسه ۱۷۶

(مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر
 ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یوم یکشنبه ۱۲ آذر
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: حاج علی اکبر امین - شیروانی - دشتی -
 ارباب کیخسرو شاهرخ
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: دکتر سنک - محمد ولیخان اسدی - مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه شیراز - اعظمی - دولتشاهی - نظام مافی - شریعت زاده آقا علی زارع - قوام شیرازی - مهدوی - افسر - میرزا عبدالله وثوق - مخبر فرهمند - عصر انقلاب - حاج حسن آقا ملک - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک محمود رضا

دبر آ مدکان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: محقق شیرازی - عراقی - جلائی - امیرحسین خان ایلخان - ذوالقدر - پالیزی - حاج شیخ بیات - فرشی - دکتر رفیع امین - یحیی خان زنکنه - افخمی - مولوی رئیس - آقای عمادی

عمادی - آقای دکتر سنک را اینجا غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه چهار روز است نوبه میکنند بنده هم عذر ایشان را در جلسه قبل تقدیم مقام ریاست نموده ام لکن چون دیروز جلسه کمیسیون عرایض تشکیل نشد تعویق افتاده است این است که بنده اصل مطلب را بعرض رساندم تا کمیسیون عرایض نتیجه را به عرض برساند .

رئیس - مراجعه میشود بکمیسیون عرایض آقای میرزا عبدالله خان وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق - در جزء غائبین بی اجازه آقای مخبر فرهمند و همچنین بنده را در جزء غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده بواسطه مجلس ختمی که داشتم شرفیاب نشدم و ایشان هم بواسطه اینکه مریض هستند و همه آقایان هم میدانند

رئیس - خوب بود یاد داشت میدادید تا مراجعه شود بکمیسیون صورت مجلس اعتراضی ندارد (گفتند خیر)

وزیر عدلیه - در جلسه قبل پس از آنکه رأی بتنفیس داده شد مقصود این بود که يك راه حلی در نظر گرفته شود که هم مقصود

وزارت عدلیه نامین بشود و هم اینکه موافقت نظری بین آقایان نمایندگان حاصل شود آن روز مذاکرات زیاد شد و بالاخره به جلسه هم رسیدیم . امروز قبل از وقت با عده از آقایان مذاکره شد و يك پیشنهادی هم بعضی از آقایان تهیه کرده اند که آن پیشنهاد گمان میکنم هم جلو گیری از خیلی از مذاکراتی که قبلا میکردند بکنند و هم اشکالی در کار نباشد . بنده تصور میکنم خوبست آن پیشنهاد را بخوانند بعد البته در صورتیکه بعد از خواندن آن پیشنهاد باز لازم شد مذاکراتی روی اصل آن ماده بشود بنده هم عرضی ندارم و اگر خیر در آن مذاکراتی لازم نیست آنوقت وارد در مواد میشود پیشنهاد هم بعد بطور رسمی داده میشود و در آنوقت هم بنده چون این پیشنهاد با موافقت نظر خودم بوده است حاضر هستم قبول کنم که این ماده بگذرد و بنده بطور خلاصه آن پیشنهاد را عرض میکنم اشکالی که آقایان میکردند یکی راجع باین بود که این ماده يك مجازاتی را معین کرده است که این مجازات تا يك درجه عطف بما سبق شده است و بعضی دیگر عقیده شان این بود که اصل مجازاتش هم شدید است . در قسمت اول پس از مطالعه و تبادل نظر بالاخره راه حلی پیدا کردیم که اصل آن مقصود نامین میشود بدون اینکه هیچ عطفی هم بما سبق بشود . در دوم جوزای ۱۳۰۲ سه ماده قانون گذشته است که ماده دوم میگوید هر کسی که مال غیر را تملك کند حبس میشود تا وقتی که اصل آن مال را با خسارات وارده بصاحبش رد کند بعد هم يك مجازاتهایی برایش معین کرده . حالا قسمت جزائیش را کنار میگذاریم و اصل این قسمت که باید حبس شود تا مالی که برده است بدهد در نظر میگیریم . این جا نوشته شده است کسانی که قبل از این قانون که امروز امیدوارم بگذرد مرتکب جرم های مندرجه در مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۷ یعنی اختلاس و انواع اوشده اند این اشخاص مطابق همان موادی که

بوده و تا امروز هم هست تعقیب و مجازات خواهند شد . آنوقت یکی از مجازاتها پرداخت ضعف غرامت آن مالی است که برده اند . این که الان قانون است در آنوقت هم بوده است . این جا فقط اشاره شده است باینکه در صورتیکه اصل مال و غرامت را نه پرداختند با آن اشخاص مطابق قانون دوم جوزای ۱۳۰۲ معامله خواهد شد یعنی مطابق آن قانون این قدر باید در حبس باشد تا مال را بپردازد ولی از طرفی محض اینکه این حبس يك حبس دائمی و خیلی شدید بود و ممکن است مبلغ اختلاس هم قدری زیاد شود که نتواند مختلس بدهد يك حدی برایش قائل شدیم که اگر چنانچه پس از ده سال حبس باز آن مال پرداخته نشد و آن غرامت داده نشد وزیر عدلیه میتواند از پیشگاه ملوکانه استخلاص او را در خواست نماید . این یکقسمت است راجع به گذشته و اما راجع به آتی بنده تصور میکنم که باز يك اختلاف نظری بین بنده و بعضی از آقایان باشد برای اینکه عقیده بعضی این است که نباید مجازات شدیدی باشد و همبقدر کافی است ولی بعقیده بنده باید در موضوع اختلاس سخت باشیم و بهمین مناسبت است که در تمام نقاط دنیا اختلاس جزو جنایات است و حبس با اعمال شاقه و با مجرد است و بنده در همین قسمت حبس مجرد باقی میمانم .

کازرونی - خیابان درست بکند .

رئیس - پیشنهاد جدید در موقعی که پیشنهادها قرائت میشود خوانده شود یا حالا ؟ وزیر عدلیه - اگر اجازه بفرمائید قبلا قرائت شود تا بعد از این توضیحی که بنده دادم آقایان بیشتر متوجه این پیشنهاد باشند و اگر موافقت بکنند بنده هم این پیشنهادی را که آقایان آقا سید یعقوب و شریعت زاده و یاسائی امضاء کرده اند قبول خواهم کرد .

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - اشخاصی که قبل از تصویب این قانون مرتکب

جرم های مشروحه در مواد ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و در تاریخ تصویب این قانون سرور زمان پنج سال نسبت بجرم آنها حاصل نشده باشد مطابق مواد فوق تعقیب و مجازات خواهند شد اعم از اینکه نسبت بانها قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد و هرگاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد سه گانه فوق را ادا نکنند مطابق ماده دوم قانون جوزای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد تا اصل مال و غرامت را بپردازند و هرگاه تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر به استخلاص بجرم بدهد .

ماده ۲ - اشخاصیکه پس از تصویب این قانون مرتکب جرم های مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۷ - شوند علاوه بر مجازاتهای مذکوره در مواد فوق الذکر محکوم بمجازات ذیل خواهند شد هرگاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از بانصد تومان باشد حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال - هرگاه میزان بیش از بانصد تومان باشد حبس مجرد از دو ماه تا ده سال .

شریعت زاده - یاسائی - یعقوب الموسوی - صادق خواجری -

رئیس - این ماده جدید را مطرح کنیم ؟

بعضی از نمایندگان - بله

وزیر عدلیه - بله

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اگر ماده سابقه که مال وزیر است

مخالفم ولی اگر این پیشنهاد است موافقم

رئیس - آقای عمادی

عمادی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده بایک قسمتش مخالفم

رئیس - عرض کردم - مذاکرات راجع بکلیات است

عراقی - نسبت باین قسمتی که نوشته است هر آینه

پس از ده سال حبس هم نتوانست از عهده برداخت

اصل و ضعف برآید آنوقت وزیر عدلیه از پیشگاه همایونی

استخلاص او را تقاضا کند، بنده نسبت بضعفش موافقم

ولی نسبت باصلش بنده موافق نیستم و بنظر بنده راه

حل قضیه این است که تا ده سال حبس مجرد باشد و در

این مدت اگر دیدند ندارد ممکن است دولت او را اجیر

کند و با روزی چهار پنج قران بملکگی وادارد و تا زمانیکه

بشود این اندازه هم از او استفاده بکنند بکنند ولی

نسبت به ضعفش ممکن است از پیشگاه ملوکانه تقاضای

استخلاص او را بکنند اما نسبت به اصل مال باید او

را اجیر کنند برای عملگی با روزی چهار پنجقران

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - مطلبی را که آقا تذکر دادند البته

میتوان قابل بحث دانست از این جهت که وقتی کسی

در نتیجه یک عملی بموجب یک قانون محکوم و ملزم

پرداخت است به استناد ماده مصوب ۱۳۰۲ باید

بقدری در حبس باشد تا جبران کند. نظر آقا این بود

که این ماده بموقع اجرا گذارده شود. نسبت به مبلغی

که منتفع شده است یا مال دولت را برده است البته

این قانون بجای خودش صحیح است ولی تصور میکنم

غیر از این هم راه دیگری باشد که در مباحثه مورد بحث

واقع بشود مثلاً معلوم شود که مفلس است باید

یک فکر هائی کرد در هر صورت که جامع الاطراف

در موقع بحث مواد آقابان یک فکری بکنند و نظریات

خودشان را پیشنهاد کنند. خود بنده هم در این باب

یک نظر دیگری دارم ولی چون مذاکرات راجع بکلیات

است بنظر بنده راجع بلزوم وضع این قانون اگر

مخالفی هست باید اظهار شود چون تصور میکنم آقا در

اصل موضوع مخالفی نداشته باشند گمان میکنم مذاکرات

در این قسمت مقتضی است. در موقع بحث در مواد

بعمل آید

رئیس - آقای کازرون

کازرون - بنده با حضرت آقای عراقی موافقم و

حقیقاً نسبت باشخاصی که این پولهای که از فقیر ترین

مردم گرفته میشود اختلاس و دزدی و برداشت (لفظش هر

چه هست) بالاخره یک عده غارتگر یک عده با امانت

خائن، یک عده دزد بنام معنی، و آنوقت بانکها اینکه

بواسطه همان پول مبادی و مجدداً تهرئه میشوند و باز

هم میروند و چنانچه نظائرش را دیدیم همان عملیات

سابقه را تکرار میکنند بنده عقیده ام این است که باید

حبس و توقیف باشد تا آن رجوهی که اختلاس کرده

تادیبه کند یا ببرد و راهش همین است البته هر کس

پولی اختلاس کرد وقتیکه مطالبه میکنند میگویید

ندارم، اشتباه کرده ام، نمیدانم چطور شده، بالاخره

ندارم، این ندارم ما نظائرش را خیلی دیده ایم، همه

آقابان هم تصدیق میکنند، بمجرد اینکه اظهار افلاس کرد

و استشهد آورد ما هم اینجا حس رحمان بحرکت میاید و تهرئه

میکنیم یا آزاد میکنیم، بنده معتقد باین نیستم بنده عقیده ام

این است که حبس باشد اما در عین اینکه حبس است

یک ورزشی باور دهند که مریض نشود، خیابان پاک کند

جاروپ بکشد، فعلگی بکند. چطور است آقابان دزد

را نمیخواهید مطابق یک فعله قرار بدهید؟ فعله بر من

ترجیح دارد. راستش این است که من از صدقه سر

آن فعله و آن زحمت کش اینجا دارم تعیش میکنم.

باید بکمک همان فعله و زحمت کش ها مشغول سپوری

و زحمت کشی شود، یک لقمه نانی بخورد اضافه عایداتش

را هم یک جائی نگاهدارند، اگر جبران کرد فبها و اگر

نکرد همینطور بماند تا ببرد.

رئیس - آقای باستانی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

(گفته شد کافی است)

رئیس - رأی میگیریم برای شور در مواد آقابانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(ماده اول بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - اشخاصی که قبل از تصویب این قانون

مرتکب جرمهای مشروحه در مواد ۱۵۲ - ۱۵۳ -

۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و در تاریخ تصویب این

قانون مرور زمان پنجسال نسبت بجرم آنها حاصل نشده

باشد مطابق مواد قانون تعقیب و مجازات خواهند شد

اعم از اینکه نسبت بانها قرار منع تعقیب صادر شده

یا نشده باشد و هرگاه اصل مال و غرامت مذکوره

در مواد سه گانه فوق را ادا نکنند مطابق ماده دوم

قانون جو زای هزار و سیصد و دو حبس خواهند شد

تا اصل مال و غرامت را بپردازند و هرگاه تا پس

ازده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخته نشد ممکن

است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس

الوزراء امر باستخلاص مجرم بدهد.

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده تصور میکنم که این ماده دو طرف

دارد یعنی یک منطوق دارد یک مفهوم یکی این است

که آنهاست که اختلاس مالیه دولت را میکنند مجازات

بکنیم و یکی این است که آنهاست که اختلاس مال

دولت را کرده اند قبل از مدت معینی و خیانت بمملکت

کرده اند آنها را بطور نهائی و قطعی عفو بکنیم یعنی

آنهاست که قبل از پنجسال این کار را کرده اند. اگر

آقابان متوجه باشند میگویند جرمهایی که در مواد

فلان و فلان و فلان است باید توجهی بآن جرمها بشود

اگر مسئله که فعلاً مبتلا به ماست همان اختلاس مالیه

دولت است یعنی کسی صد تومان، هزار تومان بردارد.

خوب است خیانت بمملکت و دولت را در ضمن

این داخل نکنیم و قرار نگذاریم که هر کس پنجسال و نیم

پیش خیانت عظیمه باین مملکت کرده است او از این

عمل بطور ابدی معاف است. علاوه بر این اختلاس هم

درجات دارد. اگر کسی شش سال قبل از این تصد

هزار تومان این مملکت را برداشته باشد چه لازم است

او را مقایسه کنند با کسی که دو سال قبل سیصد تومان

اختلاس کرده باشد یا در آنیه بکند. ما باید متوجه

باشیم که مواجهم با دو مطلب بعضی مأمورین جزء

که در ولایات و در مرکز مبالغی بانها سپرده

میشود که بیش از استطاعت آنهاست ماهی صد تومان

موجب دارند هیچ دارائی هم ندارند با اینکه شیطان

وسوسه میکند بانها چیزی بر میدارند این یک گناهی

است مثل سایر گناههای دیگر. من می بینم کال تعجب

برای من حاصل است که آقابان به آنیه برای ده سال

حبس مجرد هم راضی نیستند و میخواهند پوست آنها را

که صد تومان برداشته اند بکنند در صورتیکه هیچ دلیلی

برای این کار نیست. هر جرمی حدی از جزا دارد. باید

بالاخره آزاد شود. هر کس پای او میلفزد. و انسان جاز

الخطا است. نباید بگوئیم فلان کار چون خیلی بد است

باید آنچه در دنیا جزای بد است اعمال کنیم و چشمش

را هم بکنیم. نباید اینطور بشود. هر چیز یک حدی

دارد و بعد از آن باید آزاد شود. ولی بر عکس در مقام

گذشته نمیخواهند حتی بده سال که بنده عقیده نداشتم

و عقیده بنده این است که از وقتی که مشروطیت در ایران

اعلام شده و مفهوم وطن و ملت و مشروطیت ظاهر

شود. بنظر بنده خوب است این موضوع را بگذاریم

۴

شده و پول دولت و افراد از همدیگر جدا شده است و معلوم شده است پول دولت مال کسی نیست قبل از مشروطیت کسی که میخواست بر آنها را اضمایم کرد یا سندها را دوباره بخرج دولت میگذاشت اینها را همه گفتند و صحبتش شد حتی در مجلس دوم هم گفتند نمیشود تمام آنها را که در زمان قدیم يك كار هائی کرده اند همه را عارف و عامی بدار کنید. آن گذشته ولی بعد از مشروطه همه اهل این مملکت فهمیدند که نباید خیانت بمملکت کنند حالا در ظرف این چند سال ده بیست سال اخیر اگر کسی سیصد تومان برداشته باشد ممکن است عفو شود و تزیینی داد و اگر بیست سال قبل است طور دیگری کرد، اما چه دلیل دارد که يك کسیکه شش سال قبل از این پنجاه هزار تومان فرض کنید پول دولت برداشته است او را فراموش کنیم و استرداد پول دولت را نکنیم در صورتیکه میدانیم چقدر پول دولت بیش از این است و آنوقت هزار درجه بالاتر از این خیانت به مملکت را در ضمن مختلسین مالیه اصفهان ازین ببرد بنده شخصاً سوء ظن ندارم ولی این مطلب بجد سوء ظن در خارج میکند که مفهوم این ماده مهمتر از منظوقش بوده.

وزیر عدلیه - بنده یقین دارم که آقای تقی زاده مواد ۱۵۳ و ۱۵۷ را نخواهند اند بنده میخواهم اگر خوانده بودند این فرمایش را تغییر میدادند. صورت قضیه بطوری که ایشان بیان کردند این بود که بنده نشسته ام توی خانه ام فکری کرده ام که خائنین مملکت را کاری کنیم که نشود تعقیب کرد بعد فکر کردیم که باین شکل قانون نمیشود آورد بمجلس پس آمدیم دیدیم موضوع مختلسین مالیه اصفهان در کار است ما ظاهراً بعنوان اینکه مختلسین اصفهان را تعقیب کنیم میآئیم بلک اشخاص مخصوصی را تعقیب میکنیم، اینطور بوده است عرض میکنم فرمودند کسانی که خیانت کرده اند خیانت انواع و اقسام دارد یکوقت خیانتهای مالی است يك وقت خیانتهای سیاسی است

خیانتهایی است که در این قانون از برای او اعدام قائل شده و تمام اقسامش را شرح داده راجع به خیانت مأمورین دولت در اینجا ما سه ماده را آورده ایم راجع است باشخاصی که اختلاس بمعنی نام کله کرده اند یا کسانی که يك منافعی در ضمن يك عملیاتی که برای دولت کرده اند از قبیل مال خریدن و فروختن از آنجا برده اند این سه ماده را آورده ایم، اول میفرمایند که ما چطور بیاییم، چرا بیاییم و اشخاصی که از اول مشروطیت تا بحال يك كار هائی را برخلاف قوانین مملکت کرده اند از شان صرف نظر کنیم. این اشکالی ندارد. آقا بنده در جلسه گذشته از ده سال قبل را آورده بودم بجهت چیز هائی و ده سال مرور زمان قائل شده و حبس مجرد برایش نوشته بودم آقایان اشکال کردند که این خیلی عطف بما سبق است و خیلی بیرحمی است نسبت بيك عده اشخاصی بنا بر این آمدند گفتند يك راه حل وسطی بگیریم که عطف بما سبق هم نشود حتی عقیده اشخاصی که بنده بصلاحیشان از حیث تشخیص مصالح و بدستیشان اعتماد کامل دارم. بین آقایان و کلا کسانی بودند که گفتند اصلاً لازم نیست شما مسئله حبس را بیاورید همان غرامت کافی است. بنده گفتم خیر باید خیلی سخت تر باشد آمدیم و بالاخره این راه را پیدا کردیم فکر کردیم چکار کنیم که نگویند يك قانون است که عطف بما سبق میشود آمدیم گفتیم که قانون جوزای ۱۳۰۲ پنجسال پیش از این چهار سال پیش از این اینجا وضع شده است و بکمال خوبی میشود اگر ما آن قانون را در اینجا ذکر کنیم اشخاصی که با غرامت ندادند در حبس مانند نامالیه دولت را بدهند و برای اینکه خیلی شدید نباشد حدی قائل شدیم تا ده سال. هیچ آن مقصودی را که در ضمن بیاناتشان فرمودند که چرا باید يك عده از خائنین را بیاوریم و اینها همینطور بواشکی زیر پرده بروند و از این قانون فرار کنند این مقصود نه توی کله بنده بوده است و نه توی کله این اشخاصی که

آمده اند این ماده را پیشنهاد کرده اند و اصلاح کرده اند ما هم قبول کرده ایم. اساساً گفتگوی مسائل مالی است. گفتگوی این مسائلی است که بنده میخواهم حالا پس از آنکه بنده اینها را خواندم ممکن است آقا بگویند اشخاصی که قبل از مشروطیت هم مال دولت را برده اند باید آمد و يك قانونی گذرانند که آنها را هم تعقیب کنند. و سرشان را ببرند خوب مجلس شورای هر طور رأی میدهد همان طور است بنده آمده بودم و ده سال گرفته بودم حبس مجرد حالا امروز سخت تر میخواهند بکنند سخت ترش را پیشنهاد بکنند ولی نباید طوری بشود که آن بیان و نطق را وقتی انسان بگیرد و تکان بدهد بکمر تبه تفسیری از آن در بیاید که بنده عرض کردم. این ماده است ماده ۱۵۲: هر يك از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت داران و محاسبین و امانت صندوق دولتی که تقدینه متعلق بدولت یا اشخاص با اسناد مطالبات که بمنزله تقدینه است با اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده بآنها است اختلاس یا هر تصرف غیر قانونی نماید بعلاوه رد مال و تادیبه غرامتی معادل ضعف مال محکوم بانفصال از خدمت دولت از يك تا ده سال خواهند کردید اولاً این قسمت قسمت مالی است نه صحبت قبله کردن مملکت است. نه صحبت قرارداد است نه صحبت خدایتهای دیگر. صحبت مالی است. دوم هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی و اشخاصی که عهده دار خرید یا فروش یا ساختن چیزی یا امر بساختن آن برای دولت بوده است بواسطه تدلیس در خرید یا فروش یا در تعیین مقدار یا صفت آن چیزی نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کرده باشد که موجب ضرر دولت باشد علاوه بر استرداد آنچه تحصیل کرده بتادیبه غرامتی معادل ضعف آن محکوم خواهد شد و اگر مستخدم دولتی باشد بعلاوه مجازات فوق از يك تا هفت سال از خدمت دولت منصل خواهد گشت. این ماده ۱۵۳ باز هم می بینید قسمت مالی است، ماده ۱۵۷

هر يك از مستخدمین و مأمورین دولتی که بالمباشره یا بتوسط وسائط در معاملات و مزایده ها و مناقصه ها و تخصیصات و امتیازات دولتی که در تحت مدیری یا نظارت او بعمل آمده نفعی برای خود منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دولت بر عهده دولت چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که بر حسب وظیفه بعهده او بوده یا تفریغ حسانت که باید بعمل آورد برای خود نفعی منظور دارد علاوه بر انفصال از خدمت دولت محکوم بتادیبه ضعف انتفاعی که منظور داشته است خواهد شد. منظور این مواد که اینجا ذکر شد تعقیب انتفاعات مالی مأمورین است که مأمور خرید و فروش و جمع آوری و حفظ پول هستند سایر خدایتهای انتفاعی هم که میتواند از آن راه برد آنها را در يك ابواب دیگری ذکر کرده اند و اصلاح در اینجا نیست و مجازاتهای خیلی شدید تری دارد بنده خواستم این توضیح را بدهم اگر چه تصور میکنم همانطور که فرمودند سوء ظن نداشتند ولی طوری برداشت مطلب شده بود که داشت بواش بواش برای خود بنده اشتباه میشد که خوب کاری است بلکه توی کله من اینطور رفته حالا در اصل قضیه در آن قسمت کار ندارم ایشان عقیده شان چیست؟ عقیده شان این است که این مرور زمان پنجسال را کم میدانند و بیشتر دیده شد؟ بنده این را واگذار میکنم بنظر مجلس البته بنده هم دلایلی دارم برای اینکه در این موضوع صحبت کنم ولی نمیکم میگذازم ببینم پیشنهاد چه خواهد بود و نظر اکثریت مجلس چه خواهد بود ممکن است ایشان پیشنهاد کنند از بیست سال باینطرف اگر اکثریت رأی داد قانون خواهد بود بنده آن چیزی را که باه توافق نظر آقایان موافقت کرده ام مرور زمان پنجسال است. مسئله مرور زمان هم بی فلسفه نبوده است و البته فلسفه دارد. و بنده خواستم يك راه حلی برای رفع اختلافات تهیه کنم و علت اینکه این پیشنهاد را قبول کردم برای این

بوده است که خود بنده تا يك درجه با آن منطق که در مقابل ماده قبل اظهار شد موافق بودم زیرا هر روز نمیشود در مملکت يك قضایای کهنه را بیش کشید و از سر نو دنبال کرد ما همینقدر اشخاصی که همین قانون دوم جوزا شامل آنها میشده یعنی از آن موقع به بعد مالیه دولت را برده اند و اختلاس کرده اند و يك کارهایی که در هر حال جزو اعمال مباحه نبوده بجا آورده اند آنها را تعقیب کنیم زیرا در هر صورت اختلاس مباح نبوده که مورد شفقت واقع شود. مثلاً قانون مجازات برای زمانی يك مجازاتی قرار داده ولی چون قبل از وضع قانون رمالي يك کار بدی نبوده جرمی بان تعلق نمیگیرد ولی اختلاس را نمیشود گفت که يك عمل مباحی بوده است. و در هر حال مختلس مجازات دارد. حالا آمدیم و يك راه حلی پیدا کردیم و معتقد شدیم که اولاً این مختلسین باید زودتر مجازات شوند و برای اختلاس آتی یعنی نسبت به بعد هم يك مجازات شدیدتری قائل شدیم تا بلکه از بردن مالیه دولت جلو گیری شود. این مقصود ما بود حالا دامنه این قضیه را می خواهید بکشید باول مشروطیت سهل است چه ضرر دارد گفته شود تمام اشخاصی که خیانت کرده اند و در قید حیاتند مجازات شوند اینهم يك اصلی است البته آقایان مختارند ولی بطور کلی نمیشود قبول کرد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده موافقم.

رئیس - آقای افشار

افشار - موافقم.

رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنده هم موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای فرمند

فرمند - بنده موافقم.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای

فیروز آبادی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده قید شود که در تمام مدف حبس آنها باید مشغول شغل و عمل در محبس و خارج محبس بوده باشند که لا اقل باندازه مخارج خودش کار بکنند و حبس او هم يك ضرر و تحمیلی بر مملکت نباشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود از آنجائی که بنده عقیده دارم که اختلاس و سرقت و خیانت باید بطوری مجازاتش سخت شود که دیگر کسی يك دینار چه از مال دولت و چه از مال ملت را نبرد و اختلاس نکند عقیده دارم اشخاصی که اختلاس کرده اند و در محبس میروند لا اقل آنجا در کمال راحتی نباشند بلکه معتقدم که باید مشغول يك کاری باشند. ملاحظه فرمایند يك کسی که ده هزار تومان صد هزار تومان از مال ملت را اختلاس میکند آنوقت ده سال حبس میشود و در محبس هم بدون اینکه هیچ کاری بکند مبلغ گزافی از مال مردم و مملکت را میگیرد و صرف میکند و بطور راحتی بسر میبرد و این هیچ خوب نیست باین ملاحظه این پیشنهاد را کردم که اقل در آنجا مشغول شغل و عملی باشد جوراب بافی و قالی بافی یا بالاخره يك کاری بکند که از حاصل و دسترنج خودش زندگی بکند نه اینکه باز يك تحمیلی بخزانه دولت و مملکت وارد آورد

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که نماینده محترم با این تبصره میخواهند اعمال شاقه را اجرا کنند تقریباً همان مقصود است ولی قانون باید صریح باشد اگر می

خواهید این اشخاص را محکوم با اعمال شاقه بکنید دو عیب پیدا میکند یکی اینکه در آن موقع که اینها مرتکب این عمل شده اند قانون حبس با اعمال شاقه را برای اینها معین نکرده بود در صورتیکه ما این مجازات را عطف بان قانون جوزای ۱۳۰۲ می کنیم

ثانیاً حبس با اعمال شاقه یکی از حبس های مهمه است که اختصاص به عملیات جنائی و جرمهای درجه اول دارد، حالا با توجه باین موضوع اگر آقایان میخواهند این پیشنهاد را قبول فرمایند آنهم يك موضوعی است ولی بنده تقاضا میکنم که آقا موافقت فرمایند و پیشنهادتان را پس بگیرند و با ماده موافقت فرمائید و بعلاوه اگر نظر آقا داشتن شغلی است باید عرض کنم که اصولاً اشخاصی که در محبس هستند موافق نظامنامهائی که نوشته شده هر کسی باید شاغل يك شغلی باشد و يك کاری برای خودش تهیه کند ولی این اجباری نیست بلکه برای این است که بیکار نباشند و يك کار هائی داشته باشند. بنا بر این گمان میکنم مقصود آقا نامین میشود.

فیروز آبادی - اگر مقصود بنده نامین بشود باین ترتیب که این اشخاص در آنجا مشغول يك شغل و کاری باشند بنده پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای عراقی.

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صورت نداشتن مالیه نسبت باندازه علاوه معاف ولی نسبت باصل مال دولت معاف نباشد.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده نقطه نظرم این است که این اشخاص نسبت به ضعف و آن قسمتی که بطور مجازات اضافه باید بدهد آن قسمت را ممکن است در صورت نداشتن و گذشتن ده سال معاف شود ولی نسبت باصل مال

دولت اگر این ماده نگذرد ممکن است يك سوء تفاهم هائی تولید شود. باین معنی که پس از اینکه ده سال نوي حبس میباید يك افلاس نامه هائی درست میکنند و از دستگاه همایونی يك تقاضاهائی برای استخلاص او می شود و رها میشود و این را بنده عقیده ندارم فرضاً که خود او مرده باشد باز برای ورثه اش يك مبالغ هنگفت باقی می ماند. فرض کنیم این شخص ضعف مال مسروقه را نمیتواند ادا کند و چیزی ندارد اما بخود پول سزاوار نیست که ندهد. و در صورتیکه واقعاً نداشته باشد بزود عملگی کند و روزی چهار پنج قران از او وصول میشود و کار میکند خود این غنیمت است. خلاصه اینکه بنده معتقدم اصل مال دولت را هر طور است باید بدهد و باید از او وصول شود.

وزیر عدلیه - فرمائید دو مرتبه پیشنهاد را بخوانند

پیشنهاد آقای عراقی مجدداً بمضمون سابق قرائت شد وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم نماینده محترم نظرشان این است (چنانکه در ضمن فرمایشاتشان اظهار کردند) که مبدا این اشخاص يك افلاس نامهائی درست کنند و خودشان را مفلس جلوه بدهند و از این جهت معاف شوند ولی باید عرض کنم که اینطور نیست زیرا شخص که مال دولت را برده باید آنقدر در محبس بماند تا مال دولت را بدهد. و این عنوان افلاس تنها کافی نیست. این را بنده در اینجا بطور تذکر عرض میکنم که اسباب سوء تفاهم نشود و در موقع اینطور تعبیر و تفسیر نشود.

عراقی - بعد از این تصریح که آقای وزیر عدلیه تذکر دادند بنده مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای مولوی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

اشخاصی که قبل از تصویب این قانون مرتکب

جرمهای مشروح در مواد ۱۵۲ الی ۱۵۷ قانون مجازات عمومی شده و از تاریخ تصویب این قانون مرور زمان پنجسال نسبت بجرم آنها حاصل نشده باشد مطابق مواد فوق تعقیب و مجازات خواهد شد. نسبت بجرمهایی که از حیث جنبه عمومی قرار یا حکم منع تعقیب صادر شده هرگاه اصل مال و غرامت مذکوره در مواد مزبور فوق را ادا نکند مطابق ماده دو قانون جوایز ۱۳۰۲ رفتار خواهد شد در صورتیکه افلاس و عدم تدلیس مجرم بحکم محکمه صالحه ثابت و مدلل شود ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء امر باستخلاص بدهد

رئیس - آقای مولوی

یکی از نمایندگان - حاضر نیستند. دادند و رفتند

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(باین کیفیت خوانده شد)

پیشنهاد میکنم جمله (مرور زمان) از ماده حذف شود

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده اساساً با قانون مرور زمان کاملاً موافقم. حتی در قضایای حقوقی هم معتقدم که باید باشد و دولت بالاخره برای این مسئله باید يك فكر اساسی بکند....

وزیر عدلیه - قانونش بمجلس تقدیم خواهد شد بامداد - خوش بختانه آقای وزیر عدلیه میفرمایند قانونش بمجلس تقدیم خواهد شد. ولی چیزی که بنده می خواهم عرض کنم این است که تمام افراد مملکت فریاد دارند از اینکه در ایام مشروطیت چطور بکنفر پیدا نشد که يك جرمی نکند؟! بدلیل اینکه تا کنون هیچ دیده نشد که يك کسی مجازات شود، پس معلوم می شود که هیچ جرمی واقع نشده که کسی مجازات نشده است. و مملکت هم الحمد لله کستانت شده است. حالا آمده اند و این ماده را تخصیص داده اند به پنج

سال در صورتیکه يك اشخاصی هستند که مرتکب يك کارهایی شده اند و قبل از پنجسال يك عملیات کرده اند و دوسیه شان حاکی و شاهد مطلب است و بنا بر این ترتیب آنها معاف خواهند شد. از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این جمله مرور زمان از این ماده حذف شود. تا وقتی که آن قانون مرور زمان که میفرمایند از مجلس بگذرد و در آنجا يك قراری برای اینکار داده شود و مشمول همان قسمت شود.

و اینکه آقای وزیر عدلیه در جواب آقای تقی زاده رفع يك سوء تفاهمی را فرمودند بنده هم تصدیق میکنم که اگر این سوء تفاهم رفع نمیشد همان حرف آقای تقی زاده ممکن بود يك وقتی مأخذ قرار داده شود و همچو گفته شود که مفهوم این ماده این است که آن اشخاص هم که اختلاسات آنها برای جرائم سیاسی بوده است یعنی جرائم سیاسی را مرتکب شده اند برای اختلاس آنها هم مشمول این قسمت معافی خواهند بود این است که بنده پیشنهاد کردم این جمله حذف شود تا لایحه مرور زمان به مجلس تقدیم شود.

وزیر عدلیه - اولاً در اینجا گویا مختصر اشتباهی شده باشد. قانون مجازات مدت مرور زمان را معین کرده. در آن قانون معین است و البته مجلس هم آن قانون را تصدیق خواهد کرد و الا هیچکدام از قوانین کمیسیون رسمیت نخواهند داشت. در آنجا مرور زمان را نسبت باشخاص و انواع جرائم معین کرده است منتهی ما در اینجا خواستیم يك حد زیادتری را معین کرده باشیم حالا اگر مقصود این است که ذکری از مرور زمان نشود و نوشته شود مدت پنجسال. بنده هم حرفی ندارم ولی اگر مقصود این است که مدت و مرور زمان هر دو برداشته شود آنوقت باید دید چه جور اشخاصی را باید تعقیب کرد مثلاً در بدست سال پیش يك کسی جرمی کرده باشد او را هم می توان تعقیب کرد؟ یا کسی که فرضاً شصت سال پیش يك کاری کرده او را هم باید تعقیب کرد

و مشمول این قانون دانست! گمان میکنم مقصود این نباشد پس تصور میکنم اگر آقا پیشنهادی میفرمایند خوب است مدت را معین کنید آنوقت اگر مجلس شورای ملی قبول کرد ما هم حرفی نداریم و همان قانون میشود بامداد - بنده مدت را از اول مشروطیت تا بحال که بدست و چهار سال است پیشنهاد میکنم،

بناستی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

بناستی - آقایان مراجعه بقانون نمی کنند و این پیشنهادها را میفرمایند. قانون جزا را بنده میخوانم تا آقایان ملاحظه بفرمایند و مادام که این قانون نقض نشده بقوت خودش بقی است

ماده ۵۱ - هرگاه کسی مرتکب جرمی شده در مورد خلاف در ظرف یکسال در مورد جنحه در ظرف سه سال و در مورد جنایت در ظرف ده سال جرم او تعقیب نشده باشد دیگر تعقیب از مجرم نمیشود و اگر شروع به تعقیب شده و بجهتی موقوف مانده و مدتهای مذکوره منقضی شود دیگر اعاده تعقیب نخواهد شد مبدأ مدتهای مذکوره در صورت اولی از تاریخ ارتکاب و در صورت اخیر تاریخ آخرین اقدام تعقیب محسوب است.

در خود این قانون مرور زمان را قائل شده اند. و بایستی در پیشنهاداتی که میشود این ماده قانون مراعات شود. بنده عقیده ام این است پنجسال زیاد است و باید سه سال نوشته شود زیرا این يك مجازاتی است که برای جرمهای جنحه معین میشود و مطابق قانون نمی توانیم بیش از این مجازات قائل شویم.

رئیس - عده کافی نیست تنفس داده میشود.

حاج آقا رضا رفیع - بنده مخالفم اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

حاج آقا رضا رفیع - در يك همچو روزی که يك همچو لایحه به مجلس آمده خیلی اسباب ناسف است که

برای بیرون رفتن چند نفر از آقایان يك مجلسی متمم شود باینکه با مختلسین همراه است و در مقابل يك جامعه بد جلوه گر بشود. این يك مسئله مهمی بود که همه ما ها بدولت همه روز فشار آوردیم. سؤال کردم حرف زدیم. پادشاه مملکت اجازه داد و فرمود که حتماً باید يك همچو لایحه به مجلس برود تا بالاخره امروز به مجلس تقدیم شد و حالا نیمساعت از ظهر میروود و مجلس میخواهد تعطیل شود. این خوب نیست. به عقیده بنده بهتر این است که بفرستیم عقب آقایان اگر آمدند که هیچ والا جلسه را ختم کنیم تنفس فایده ندارد.

رئیس - چند مرتبه فرستاده شده نیامده اند.

زرار - فرمودید چند مرتبه فرستاده شده و آقایان نیامده اند. اگر اینطور است بنده استدعا میکنم مقرر

فرمائید که اسم آقایان را ثبت کنند

مدرس - فائحه رفته اند

آقا سید یعقوب اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این است که آقای قائم مقام و زوار عصبان نشوند هیچ وقت نمایندگان محترم حاضر نباشند که باین شوق و شعفی قانون مجازات را ندرینند خاصه در این موقع که حقیقه مملکت دارد رو به عمل میروود از آنطرف تصدیق میفرمائید که جلسه يك قدری طول کشیده و نیمساعت از ظهر گذشته و يك عده رفته اند بفاصله و يك عده هم بیرون سیگار میکشند و حالا خواهند آمد. و همه مجلس متوجه است که این قانون عملی شود. این را بنده عرس کرده که سوء تفاهم نشود. و معتقدم همانطور که مقام ریاست فرمودند خوبست چند دقیقه تنفس داده شود و پس از پنج دقیقه مجلس دو باره تشکیل شود

رئیس - خوب در اینصورت جلسه باید ختم شود

(مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم شد)